

رهنمون های حضرت علی علیه سلام
از کتاب موفقیت واقعی چیست
نهج البلاغه

ویرایش انگلیسی:

دکتر سید حسن اختر

ترجمه از انگلیسی:

مژگان سعیدی

رهنمون‌های حضرت علی علیه السلام

از کتاب موفقیت واقعی چیست، نهج البلاغه

ویرایش انگلیسی: دکتر سید حسن اختر

ترجمه از انگلیسی: مژگان سعیدی

تهیه و تنظیم: محمدتقی انصاریان خوانساری

ناشر: انتشارات انصاریان

چاپ اول ۱۴۰۰ - ۱۴۴۳ - ۲۰۲۱

تعداد صفحات: ??? ص.

قطع: وزیری



انتشارات انصاریان

قم - جمهوری اسلامی ایران

خیابان شهدا - کوچه ۲۲ - ص.پ ۱۸۷

تلفن: ۳۷۷۴۱۷۴۴ (۲۵) (۹۸) دورنما: ۳۷۷۴۲۶۴۷

پست الکترونیک: Int_ansarian@yahoo.com

www.ansariyan.ir

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۹	مقدمه.....
۱۰	یادداشت مترجم.....
۱۲	سخنی کوتاه در مورد نویسنده ی نهج البلاغه، سید محمد رازی.....
۱۳	زندگی نامه ی مختصری از نویسنده ی نهج البلاغه، امام علی (ع).....
۱۷	اظهارات دانشمندان و تاریخ شناسان در مورد حضرت علی (ع).....
۲۳	بخش یک: شناخت خداوند.....
۲۴	ستایش و جلال خداوند:.....
۲۵	یکتایی و یگانگی خداوند.....
۲۷	صفات الهی نازل شده ی خداوند.....
۲۹	در مورد قدرت، عظمت، تعالی، و معرفت خداوند:.....
۳۵	خداوند نه زائیده است و نه زائیده شده است:.....
۳۷	در مورد جاودانگی خداوند:.....
۳۸	برکات خداوند.....
۳۹	خداوند خالق و تامین کننده است:.....
۴۰	دعای خیرات خداوند:.....
۴۱	خلقت آسمان، زمین و آفرینش آدم.....
۴۱	آفرینش جهان:.....
۴۲	عظمت خدا؛ آفرینش جهان:.....
۴۳	اطلاعات بیشتر در مورد خلقت جهان:.....
۴۴	درباره خلقت:.....
۴۴	شکوه آفرینش:.....
۴۵	درباره کمال در خلقت:.....
۴۶	شرح آفرینش آدم:.....
۴۷	آفرینش انسان (ادامه):.....
۴۷	اطلاعات بیشتر در مورد خلقت انسان:.....

- ۴۸ در مورد آفرینش اولین انسان و مقام پیامبران:
- ۴۹ درباره کسانی که گمراه هستند:
- ۴۹ درباره خلقت مورچه:
- ۵۰ درباره خلقت خفاش:
- ۵۱ درباره ایجاد طاووس و ایجاد پرندگان:
- ۵۲ آفرینش ملخ:
- ۵۵ بخش دوم: (راهنمایی برای داشتن یک زندگی خداآگاهانه).
- ۵۶ مشاوره برای زندگی موفق به پسرش
- ۵۶ اهمیت هوشیاری نسبت به خدا:
- ۵۸ چگونه برای نیازهای خود به درگاه خداوند دعا کنیم:
- ۶۰ فضایل صبر:
- ۶۰ زندگی در این جهان:
- ۶۱ سرنوشت بشریت:
- ۶۲ از آرمان خدا دفاع کنید:
- ۶۲ معاملات شما با دیگران:
- ۶۳ غروریک حماقت است که آسیب می رساند:
- ۶۳ در هنگام توانایی انفاق کنید:
- ۶۴ اهمیت عزت نفس:
- ۶۵ با خانواده خود به خوبی رفتار کنید:
- ۶۶ با ملاحظه با دشمن خود برخورد کنید:
- ۶۶ چگونه با ظلم مقابله کنیم:
- ۶۶ مرواریدهای خرد و راهنمایی برای پسرش:
- ۶۹ سخنان نهایی در نامه:
- ۶۹ عدالت ، بی عدالتی و ظلم:
- ۶۹ خدا نسبت به مخلوقاتش عادل است:
- ۷۰ خداوند بسیار منصف است:

- ۷۰ عدالت خدا برای فقیر و ثروتمند است:
- ۷۱ توصیه امام علی (ع) برای پرهیز از پوچی ، افتخار کردن در عدالت و عمل نیک:
- ۷۲ دستورالعمل های حضرت برای سربازان خود:
- ۷۲ نیایش حضرت هنگام برخورد با دشمن:
- ۷۲ نصایح حضرت در رابطه با امور دولتی:
- ۷۲ توصیه هایی به فرزندان:
- ۷۳ بخشی از نامه ای مضمول بر توصیه هایی به فرمانداران خود:
- ۷۳ نصایح امام در مورد مالیات دهندگان:
- ۷۳ یکی از سخنان امام:
- ۷۴ عدم عدالت و ظلم:
- ۷۴ یک بی عدالتی بزرگ:
- ۷۵ حقوق دیگران:
- ۷۵ حقوق خداوند متعال:
- ۷۶ درباره حقوق افراد:
- ۷۶ احقاق حقوق دیگران:
- ۷۷ توزیع وجوه (خیریه) از خزانه عمومی:
- ۷۸ حقوق یک دوست:
- ۷۸ مهربانی، تواضع، رفتار صحیح با خویشاوندان:
- ۷۹ خداوند شفقت را اجبار نکرده است:
- ۸۰ صبوری و اصالت در شخصیت:
- ۸۰ آداب ادب:
- ۸۰ نصیحت حضرت علی در مورد سخاوت و رفتار خوب:
- ۸۰ کسی که به آخرت ایمان دارد، سخاوتمند است.
- ۸۰ حق، پرهیز، و ویژگی های یک مومن.
- ۸۱ درباره مهار خواسته ها:

- ویژگی های یک مومن: ۸۱
- کسانی که در مسیر درست قدم می گذارند در اقلیت هستند: ۸۲
- مشاوره او: ۸۲
- جزئیات ۸۲
- خصوصیات یک فرد متدین: ۸۳
- پرهیزکاری: ۸۴
- نمونه ای از مصیبت ها: ۸۵
- . نمونه ای از تغییر ثروت: ۸۵
- در مورد دروس (تلخ) آن: ۸۵
- یک حساب از مردم گذشته و یادگیری از زندگی آنها: ۸۷
- اهمیت خداپسند بودن: ۸۸
- توصیه ای برای تمرین خدا آگاهی و احتیاط در برابر عشق به این دنیا: ۸۹
- توصیف وی از یک شخص وارسته: ۹۱
- فواید برای آگاهی از خدا: ۹۳
- افرادی که نه با کالا و نه با هیچ چیزی از یاد خدا دور نمی شوند: ۹۴

مقدمه

یادداشت مترجم

این کتاب برگردان فارسی از کتاب "موفقیت واقعی چیست؟" می باشد که برگرفته شده از کتاب "قله ی فصاحت" است. کتاب موفقیت واقعی چیست توسط دکتر سید حسن اختر نوشته شده و به چاپ رسیده است. دکتر اختر ساکن امریکا بوده و در حال حاضر امکان خرید کتاب از طریق آمازون موجود می باشد. منبع اصلی یعنی نهج البلاغه به زبان عربی بوده که توسط سید محمد رازی به تحریر در آمده است. ترجمه ی انگلیسی نهج البلاغه به نام "قله ی فصاحت" بوده که توسط سید علی رازی از عربی به انگلیسی ترجمه شده است. این کتاب دارای ۲۳۹ خطبه، ۷۹ نامه و ۴۸۹ سخن از امام علی (ع) می باشد.

کتاب اصلی نهج البلاغه شامل موضوعات مختلفی میشود که قسمت های مختلفی از هر موضوع در بخش های متفاوتی مطرح شده است و برای فراگیری یک موضوع واحد باید تمام کتاب را مطالعه نمود. در این کتاب، تمام مطالب مرتبط با هر موضوع به صورت یکجا و واحد گردآوری شده و بدین ترتیب وقت کمتری برای مطالعه هر موضوع لازم است.

اولین بخش از این کتاب مفهوم توحید، خداآگاهی، و خلقت بی نظیر او را به ما می آموزد. در بخش دوم، با مفهوم تقوا و زندگی همراه با آگاهی از خدا آشنا میشویم. بخش سوم به موضوع ارتباط با خدا از طریق دعا می پردازد. بخش پایانی شامل سخنان امام علی و راهنمایی های او می شود.

از خداوند برای فراهم آوردن امکان ترجمه ی این کتاب بسیار سپاس گزار بوده و طلب عفو برای هرگونه خطای ناخودآگاه در این ترجمه را دارم.

و در پایان، از مهندس حسین شجره که مشوق اصلی این ترجمه بوده و نیز دکتر حسن اختر برای راهنمایی و حمایت در این راه کمال تشکر را دارم.

امید است که این کتاب روشنایی راهی برای خوانندگان بوده و پاسخ سوالات شما را در ارتباط با موضوعات مطرح شده فراهم آورد. بی شک نظرات شما در مورد کتاب و ترجمه به ارتقای کیفیت کتاب بسیار کمک خواهد نمود. جهت ارتباط با مترجم لطفاً با ادرس ایمیل زیر در تماس باشید.

Mozhan.saeidi@gmail.com

سخنی کوتاه در مورد نویسنده ی نهج البلاغه، سید محمد رازی

سید رازی سخنان و نامه های امام علی را به زبان عربی، زبان اصلی، حدود هزار سال پیش گردآوری نموده است. این امر حدود چهارصد سال پس از فوت امام علی اتفاق افتاد.

سید رازی در سال ۳۵۹ هجری در شهر بغداد در عراق به دنیا آمد. تبار و خاندان او به حضرت محمد (ص) میرسد. او از خانواده ای دانشمند می آید. آموزش ها و تعالیم اولیه او زیر نظر استاد شیخ مفید بوده است. پس از آن او به موسسات عالی زیادی رفت که یکی از آنها زیر نظر ابو احمد ابن محمد طبری بود. رشته هایی که او در آنها به تحصیل پرداخت شامل قرآن، حدیث، تاریخ اسلام، فلسفه، و ادبیات بود. دانشمندان زمان او را اعجوبه می خواندند. در طول زندگی کوتاه ۴۷ ساله ی او، کتاب های زیادی نوشت. تفسیر قرآن او مورد توجه دانشمندان است.

از زمان کودکی او علاقه به نوشته ها و آموزه های حضرت علی داشت. برخی از کارهای جمع آوری شده ی اولیه ی امام علی از بین رفته اند. سید رازی تصمیم به جمع آوری آنها نمود. او سفرهای طولانی برای جمع آوری خطبه ها و نامه های امام علی نمود. آنها را در سه طبقه ی ذکر شده ی فوق جمع اوری نموده و به همه آنها نام نهج البلاغه را داد. برخلاف حال نامساعد جسمی، او ساعت های زیادی را سالیان زیادی روزانه برای این جمع آوری سپری نمود. او نهایت تلاش خود را نمود تا نوشته های اصل را جمع آوری و انتشار نماید.

زندگی نامه ی مختصری از نویسنده ی نهج البلاغه، امام علی (ع)

حضرت علی خویشاوند و داماد حضرت محمد بود. تولد: او در سال ۶۰۰ بعد از میلاد در خانه ی کعبه، خانه ی خدا در مکه، عربستان، به دنیا آمد. پدر علی، ابوطالب بود، سرلشکر قبیله ی هاشمی و عموی حضرت محمد. مادر او فاطمه ابن اسد، کسی که از طایفه ای نجیب می آمد، بود.

دوران کودکی: حضرت محمد علی را همچون کودک خویش بزرگ کرد و در نتیجه، عطوفت عمیقی میان آن دو شکل گرفت. هنگامی که حضرت محمد در سن چهل سالگی به نبوت رسید، امام علی، کسی که تنها دوازده سال سن داشت، اولین شخصی بود که دعوت او را پذیرفت و به اسلام گروید.

در چهارمین سال از نبوت خویش، حضرت محمد خویشاوندان خویش را به اسلام دعوت نمود تا به پرستش خدای یگانه روی آورند و به آنها اعلام نمود که او فرستاده ی خداست. او با بی تفاوتی و حتی تمسخر آنها روبرو شد. علی جلو آمد و با حضرت محمد بیعت نمود، قول به محافظت از او را داد و ایمان خویش را تازه نمود. حضرت محمد خشنود شد و علی را بعنوان یار و جانشین خود اعلام نمود. کسانی که آنجا حاضر بودند، شروع به خنده و تمسخر کردند، و علاوه بر این ابوطالب را سرزنش نمودند و گفتند او تنها از پسر خود فرمان می برد.

اما علی به عهد خویش وفادار مانده، او را حمایت و دنبال کرد همچون یک سایه، و از او در مقابل دشمنان محافظت نمود و حتی جان خود را برای نجات اسلام به خطر انداخت.

برای نجات زندگی پیامبر، علی در بستر او خوابید: مشرکان مکه نقشه کشیدند که پیامبر اسلام را بکشند تا مانع از انتشار پیام او شوند. پیامبر از این خبر آگاه شده و تصمیم به مهاجرت گرفت (که به هجرت، شروع تقویم اسلامی، مشهور است) و به

شهر مجاور، مدینه رفت. او از علی درخواست نمود تا در رختخواب او بخوابد تا مشرکان را گمراه نموده و زمان بیشتری برای هجرت او فراهم بشود تا مکه را ترک نماید. امام علی این مسئولیت را پذیرفت و زندگی خود را به خطر انداخت تا جان حضرت در امان بماند.

شهر مدینه خوشامدگوی پیامبر خویش بود:

در حالیکه اسلام در مدینه در حال شکل‌گیری بود، مشرکان جنگ‌های زیادی را در برابر حضرت محمد به پا نمودند تا این دین جدید را از ریشه برکنند. علی در خط مقدم دفاع از پیامبر قرار داشت و یکی از عاملین اصلی در این امر بود. شجاعت و شمشیر زنی او در عربستان مثال‌زدنی بود.

پیامبر دختر خود را به ازدواج با حضرت علی درآورد: پیامبر خواستگاران زیادی را از قبایل سرشناس و ثروتمند رد نمود. او مشتاقانه درخواست علی را قبول نمود. او برای برکت ازدواج آنها دعا نمود و به پیشگاه خداوند برای خوشبختی و شادی و پیروزی آنها دعا نمود. این اتفاق، رابطه‌ی پیامبر و حضرت علی را گرم‌تر نیز نمود.

سفر زیارتی پیامبر: دهمین سال پس از هجرت، هنگامی که پیامبر از آخرین حج خود باز میگشت، کاروان را در میانه‌ی راه متوقف کرده و همه را جمع نمود. و آنگاه "آخرین خطبه" را ایراد نمود. او از پیش هشدار داده بود که پایان دوران او نزدیک است. در اواخر خطبه اش اعلام نمود، خداوند مولای من و تمام ایمان‌آوردندگان است. سپس سوال نمود، آیا به این گفته ایمان دارید؟، تمام حضار آن را تایید نمودند.

سپس با جدیت بیان داشت: پس بشنوید و به خاطر بسپارید: هرکه را من مولا هستم، علی مولای اوست. او برای من همچون هارون برای موسی است. خداوند با کسی که او را دوست دارد دوست شو و با کسی که با او دشمنی دارد، دشمن باش. به کسانی که

به او کمک میکنند، کمک کن و کسانی که او را نا امید میکنند، نا امید گردان. هنگامی که این سخنان را میگفت، علی را به همه مردم نشان داد.

این رویداد در سند امام احمد بن حنبل، بخش ۵ و صفحه ۲۸۱ و نیز در کتاب امام غزالی سرالعالمین بیان شده است. مولانا عسکری جعفری اظهار میدارد که ۱۵۳ نویسنده‌ی مشهور این رویداد را، معروف به غدیرخم، ثبت نموده اند.

علی به عنوان خلیفه و حاکم: پس از مرگ خلیفه‌ی سوم، علی (ع) به خواست مردم خلیفه شد. در زمان حکومت وی، اولویت اصلی او حذف والیان فاسد از دولت اسلامی بود. او خواستار صداقت، امانت، مسئولیت‌پذیری و دلسوزی در مقام‌های دولتی بود. او شخصا دارای سبک زندگی پر مشقتی بود.

هنگامی که وی مالک الاشتر را به عنوان والی مصر منصوب کرد، خود سرپرستی اداره‌ی برخی موضوعات را به عهده گرفت. موضوعات دارای اهمیت بر وی شامل خداشناسی، صداقت، عدالت و فروتن بودن بود.

محقق و فیلسوف مشهور عرب میگوید که دستورات حضرت علی موجب بنا نهادن بهتر اداره‌ی جامعه نسبت به آنچه توسط حضرت موسی تنظیم شده بود. به همین دلیل علی را برای بنا نهادن این دستورات ارج نهاده است. اصول اداره شهرهای حضرت علی در کتاب نهج البلاغه آمده است و در سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۰۲ در جلسه‌ای توسط حاکمان و مقامات دولتی توصیه گردید که از این اصول در الگوی حاکمیت خود استفاده کنید. (لطفاً به نامه مالک اشتر، نامه شماره ۵۳، دستور به مالک اشتر، مراجعه کنید.)

در حدود شش سال حضرت علی مجبور به مقابله با فساد شد و با یورش برخی فرمانداران روبرو بود. او در چندین جنگ شرکت نمود تا از اصول خود و حکومت اسلامی محافظت نماید. ایشان در سن شصت و سه سالگی در حالی که توسط دشمن

هنگام نماز در مسجد زخمی شده بودند درگذشتند. ایشان فرمودند: "خداوندا سپاسگزارم که مرا به مقام شهادت رساندی. رحمت و بخشایش تو مرا به جلال قلمرو تو سوق می‌دهد."

علم حضرت:

ارتباط نزدیک او با پیامبر موجب کسب دانش عظیمی شده بود که کس دیگری به آن علم دست نیافت. داش گسترده او شامل زیست‌شناسی، پزشکی، ستاره‌شناسی و سرمنشا حیات فلسفه، فقه اسلامی، ریاضیات، بلاغت و دیگر علوم می‌شد. (لطفاً به خطبه معروف شماره یک در نهج البلاغه مراجعه کنید.) ایشان سهم عمده‌ای در توسعه زبان عربی داشتند.

نهج البلاغه:

عنوان کتاب به معنای اوج فصاحت و بلاغت است. شامل خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان امام علی است. این متون توسط سید رازی جمع‌آوری شده‌اند و گفته می‌شود که موضوع موجود در آن تنها در باب معرفت، دانش و فصاحت و راهنمایی در کنار قرآن است. آموزه‌های امام علی نه تنها برای مسلمانان بلکه برای همه انسان‌ها سودمند است، موجوداتی که در جستجوی حقیقت و عدالت هستند و آرزوی آگاهی از خداوند را دارند.

اظهارات دانشمندان و تاریخ شناسان در مورد حضرت علی (ع)

ابن ابیل حدید

این مفسر مشهور مصری در مورد کتاب نهج البلاغه میگوید: حضرت علی شخصیتی داشتند که در آن خصوصیتی متضاد را هم زمان گردآوری نموده بودند. او باور داشت که چنین ترکیبی متفاوت است. او شجاع ترین انسان و جسورترین جنگجو در طول تاریخ است. با آنکه افراد جنگجو معمولاً سرسخت، بی رحم و خونخواه هستند، او مهربان، دلسوز، خونگرم و مسئولیت پذیر بود. این خصوصیات یک انسان پرهیزکار و با خداست. او با ثروتمندان و فقرا دوست بود و نیز با خردمندان و افراد عامی نیز دوست بود. تمام افراد جایگاه یکسانی در قلب او داشتند؛ افراد سالم، معلول، بیوه شدگان، نادیده گرفته شدگان. او همیشه لبخند بر لب داشت و به دیگران سلام میکرد. او فردی بسیار شوخ طبع بود و در بحث ها کسی نمی توانست بر او غلبه کند.

علامه عسکری جعفری:

محقق برجسته و مترجم دانشگاه میگوید: جهان نمیتواند مثال دیگری را بیابد که همچون علی مبارزی درجه یک بود. مطالعات تاریخی نشان میدهد که او همواره تنها یک شمشیر همراه با خود در نبردها داشت. برای اسلام، او همواره در خط مقدم دفاع، میان جبهه، و نیز در خط انتهایی دفاع حضور داشت.

توماس کارلی، مورخ، منتقد، نویسنده و جامعه شناس اسکاتلندی (۱۷۹۵-۱۸۸۱): کسی نیست که علی، این جوان رعنا را دوست نداشته باشد. همانگونه که خودش نشان میدهد، همراه جسور و پر از محبت است. او همواره شجاع همچون شیر، دارای فضل، حقیقت جو و با محبت بود.

توماس کارلیله: هیچ جوانی با سن و سال حضرت علی نمیتواند به اندازه ی او شیردل و در عین حال انسانی دارای فضیلت، حقیقت جو و با محبت باشد که این ها نشانه ی یک شوالیه می باشد.

(از کتاب درباره قهرمانان تاریخ، ۱۸۴۱، سخنرانی شماره ۲)

ادوارد گیون، بزرگترین مورخ انگلیسی در زمان خود محسوب میشد (۱۷۳۷): غیرت و تقوایی که علی داشت را بعد از او کسی نشان نداد. او همچون یک شاعر، سرباز و انسان مقدس خردمندی بود که سخنان اخلاقی و مذهبی او هنوز گویا زنده هستند. هر مبارزی تسلیم فصاحت و جسارت او بود. او هرگز حضرت محمد را از اولین لحظه ی مبارزه تا به آخرین منسک مراسم تشییع تنها نگذاشت. او برادر و معاون او و همچون هارون دوم بود.

(شرح ظهور و پیشرفت، صفحه ی ۸۳)

سر ادوارد گیون: حضرت علی تمامی صفات یک شاعر، یک سرباز، و یک انسان مقدس را هم زمان یک جا داشت؛ خرد او همراه با سخنان اخلاقی و مذهبی بود.

دکتر هندی استب، فیلسوف، فیزیکیان، پزشک (۱۶۳۲-۱۶۷۶): دنیا برای او ارزشی نداشت، از خدا بسیار می ترسید، همیشه صدقه می داد. در تمام اعمالش فروتن و مهربان بود. او بسیار شوخ طبع و چالاک بود. او تمام علوم ی که نیاز به تمرین داشتند را سریع فرا میگرفت.

(شرح ظهور و پیدایش)

دکتر هنری استبول: حضرت علی مایه ی فخر و شکوه جهان بود. او انسانی خداترس بود که در راه او خدمات بسیاری را فروتنانه و با احترام انجام داد.

چارلز میلز، نویسنده ی برجسته ی تاریخی زمان خود (۱۷۸۸-۱۸۸۸): بعنوان رئیس خانواده هاشمی و بعنوان پسرعمو و داماد کسی که مورد احترام اعراب بود، او دوست

پیامبر نیز بود. پسر ابوطالب یکی از اولین کسانی بود که به اسلام ایمان آورد. انتصاب مورد علاقه ی او، هارون دوم بود. او استعدادهایی چون مدرس، جنگجو، و شاکر بود.

(ظهور و پیشرفت ۱۷۰۵، صفحه ی ۸۳)

چارلز میلز: استعدادهای حضرت علی بعنوان یک هوادار و نگرش او بعنوان یک جنگجو برای ملتی که قضاوت شجاعت او مایه ی فضیلت بود بسیار ارزشمند و سخنوری او بسیار خردمندانه بود.

سیمون اوکلی استاد زبان عربی در دانشگاه کمبریج (۱۶۷۸-۱۷۷۸): نکته ی قابل توجه در مورد او این است که مادر حضرت علی در مکه و در خانه ی خدا او را به دنیا آورد، که هرگز برای شخص دیگری رخ نداده است.

(لندن، ۱۸۴۹، صفحه ی ۳۳۱).

سیمون اوکلی: مادر حضرت علی ایشان را در کعبه بدنیا آورد، در خود کعبه، محلی که برای هیچ انسان دیگری این اتفاق نیفتاده و نخواهد افتاد.

واشنگتن اروینگ، اولین مرد نویسنده ی امریکا (۱۷۸۳-۱۸۵۹): او از نجیب ترین نژاد ها بود و دارای سه خصلت با ارزش اعراب بود که شامل فصاحت، شجاعت و بخشندگی بود. پیامبر او را به سبب داشتن روحی بی باک، شیر خدا نامید. فصاحت وی در برخی از گفته های اعراب هنوز باقی مانده است. فصاحت بلاغت او میان دیگران تبادل میشد و هر جمعه در خزانه باقی می ماند. از بزرگواری او موارد مکرری را داریم که در آنها ذره ای خودخواهی و منافع شخصی به چشم نمیخورد.

ایشان با زبانی شاعرانه و بلاغت بیان صحبت مینمودند و بسیاری از سخنان ایشان امروزه به زبان های مختلف ترجمه شده است.

مهر نشان ایشان دارای این سخن بود: "سلطنت متعلق به خداست." یکی از سخنان ایشان نشان دهنده بی ارزشی دنیا است: "زندگی چیزی جز ابری گذران نیست همچو خواب نیست."

واشنگتن ایروینگ: او دارای سه ویژگی برتر اعراب بود: شجاعت، فصاحت و مظلومیت.

رابرت دوری اسبورن: او بهترین و راستین قلبی در تاریخ است که اسلام ناب محمدی را حفظ کرده است.

رابرت دوری اوزبرن، اعظم سپاه بنگال (۱۸۳۵-۱۸۸۹): ایشان بهترین و خوش قلب ترین مسلمانی است که در تاریخ اسلام محمدی به یاد مانده است.

علامه مسعودی، تاریخ شناس اسلامی برجسته میگوید: "درخشان ترین نام متعلق به اولین مسلمان، رفیق پیامبر در تبعید، همراه وفادار او برای مبارزه و پاسداری از ایمان، هم رزم صمیمی پیامبر در طول زندگی، خویشاوند ایشان که از تعلیمات ایشان بهره برده بود و در قرآن نیز از او نام بده شده است. هنگام سخن از فداکاری همواره تشویق به عدالت، به هنگام راستی، خلوص، و عشق به حقیقت است. به هنگام سخن از علم و حقوق همگی باید علی را در نظر بگیریم.

جستجوی ما بیهوده خواهد بود اگر در میان پیشینیان او بجز پیامبر و نیز آمدگان بعد از به دنبال یافتن فضیلت هایی بگردیم که خداوند به ایشان اعطا نموده بود.

دکتر عطا محی الدین: حضرت علی دارای استعدادهای مختلفی بود. از بزرگترین متقین، قانون گزاران، ژنرال ها، دولت مردان، دانشمندان، و سرپرستانی بود که تاکنون دنیا به خود دیده است. او دارای دانش حشرت آدم، فضیلت حضرت نوح، فداکاری حضرت ابراهیم، و عظمت حضرت موسی، غیبت و تقوی حضرت عیسی، صبر

حضرت ایوب، خرد حضرت سلیمان، دلاوری اسکندر بزرگ، راسخی ژولیوس سزار، خرد افلاطون، دانش علمی سیسرو، و اصلاح طلبی جوستینین بود.

جورج جورداک: حضرت علی قوانین محکمی را وضع نموده بود تا دیدگاهی برای حقوق بشر و رفاه جامعه بشری باشد که ریشه های آنها در اعماق زمین و شاخه های آنها تا به آسمان ها گسترش می یابد.

برای اطلاعات بیشتر در مورد این موضوع، به "جملات دانشمندان و مورخان در مورد حضرت علی"، مراجعه کنید.

بخش یک:

(شناخت خداوند)

مفهوم خداوند، یگانگی و صفات الهی او

بخشش و برکت خداوند

آفرینش بهشت، زمین و آدم

مفهوم اسلام از خداوند مفهومی دقیق و مشخص است؛ اسلام برگرفته از کتاب مقدس قرآن و از آموزه های حضرت محمد(ص)، پیامبر اسلام است.

حضرت علی (ع) ۱۴۰۰ سال پیش زندگی می نمودند، زمانی که اسلام در حال شکل گیری در عربستان بود. او با محمد(ص)، پیامبر خداوند، خویشامند بود. ایشان دارای این امتیاز بود که تحت تعلیم حضرت محمد باشد. بعلاوه، او یکی از دانشمندان عرب بوده و دارای دانش کامل نسبت به مفهوم قرآن بود.

در ادامه مجموعه ای از سخنان امام در مورد مفهوم خدا آورده شده است. این خطبه ها در طی سال های زیادی ارائه شده است. آنچه در اینجا آورده شده مجموعه ای منتخب می باشد و امید به آن است که خواندن آن برای خواننده لذت بخش بوده و موجب روشنفکری گردد.

ستایش و جلال خداوند:

ستایش مخصوص خداوند است، که نمیتون او را با کلمات توصیف نمود و نعمت های او قابل شمارش نیستند، و عمق ادراکات آدمی نمیتواند بزرگی مقام او را درک نماید، و نمیتواند به درک او برسد. هیچ محدودیتی برای توصیف او وجود ندارد (خطبه ۱)

خداوند عالی مرتبه است که محدودده تلاش ها نمیتواند به او برسد و هیچ خردی به او نمیرسد. او تنها موجودی است که هیچ محدودیتی ندارد و هیچ پایانی ندارد تا وجود او متوقف شود.

(خطبه ۹۳)

ستایش مخصوص خداوند است که همه ی آفرینش او را ستایش میکنند، تحت قدرت و تعالی او هستند. من او را به خاطر نعمت های بی پایان و هدایایی که ارزانی داشته ستایش میکنم. بخشش او بدون حد است. او از حال و گذشته آگاهی دارد. او آفرینش

را با دانش نامحدودی طراحی کرده و آن را با ظرفیت نامحدود خود، و بدون نیاز به یادگیری و دنبال کردن هیچ نمونه قبلی و هیچ گونه کمکی به وجود آورده است.

(خطبه ۱۹۰)

ستایش مخصوص خداوند است که تسلیم شدن در برابر او بزرگترین افتخار است و امید در عفو برای نافرمانی اوست. تنها به او تکیه میکنم و تنها از او یاری میجویم تا راهنمایی ام کند گمراه نشوم. خداوند کسی است که غضب او بزرگترین غضب است. او برآورنده ی نیازهای ایمان آورندگان است. او والاترین ارزش ها را دارد.

(خطبه ۱)

خداوندا! ستایش مخصوص توست که نعمت ها را می بخشی و هر چه را بخواهی میگیری، و هر آنچه را بخواهی تسکین میدهی. ستایشی به عظمت خلقت و ستایشی که برای تو جاودانه است.

(خطبه ۱۵۹)

توصیه ی حضرت به مردم برای ستایش و شکرگزاری از خداوند.

به شما توصیه میکنم که خداپرست باشی و او را برای نعمت هایی فراوانی که ارزانی داشته شکر گزارید. او شما را انتخاب کرد و با رحمت با شما رفتار نمود. شما همواره گناهان آشکارا مرتکب میشوید اما او آنها را پنهان نگاه داشته است. او به شما زمان برای توبه همواره داده است.

(خطبه ۱۸۷)

یکتایی و یگانگی خداوند

مهمترین وظیفه در دین، تصدیق خداوند است. کمال شناخت او، شهادت است. کمال شهادت به او، ایمان به یکتایی اوست. کمال ایمان به یگانگی او، یگانه دانستن

اوست. کمال باور به او، خالص دانستن او از هر صفتی است؛ و خالص دانستن او از هر صفتی، انکار او از متعلقات است. زیرا هر موجودی که به او صفاتی نسبت داده میشود، از خود صفات مجزاست.

بنابراین هرکسی که تلاش به توصیف خداوند نماید، همانند او را میخواهد خلق بکند و هرکس مانند او را خلق کند، او را دارای شریک کرده و هرکس او را دارای شریک بداند، او را نشناخته است. و هرکس او را نشناسد، او را دارای خطا میداند. و هرکس او را دارای خطا بداند، محدودیت‌هایی را برای او برشمرده است. در واقع، انحصار و منحصر بودن او را انکار کرده است.

هرکس سوال نماید: او در چه چیزی هست؟ او محجور است. و هرکس پرسید او چیست؟ او در هیچ چیز دیگری نیست. او یک موجودیتی دارد اما نه در قالب وجودی. او وجود دارد اما نه در بیرون آمدن از بی وجودی. او به هر چیزی نزدیک است اما نه در قالب فیزیکی. او از هر چیز جداست اما نه دوری از نظر فاصله و مسافت. او عمل میکند اما بدون نیاز به حرکت و یا نیاز به سازه‌ای. او یکتا است به گونه‌ای که هیچ شریکی ندارد.

(خطبه ۱)

من شاهد و گواه هستم که هیچ‌خدایی جز خداوند یگانه نیست. همتایی ندارد. این گواهی است که با صراحت آزموده شده و جوهر اعتقاد ماست. ما تا زمانی که زنده هستیم به آن چنگ میزنیم، آن را ذخیره میکنیم، در مقابل مصیبت‌هایی که بر ما وارد میشود می‌ایستیم که این تایید اعتقاد و اولین قدم به سمت اقدامات خوب و لذات الهی است. این وسیله‌ای برای دور نگاه داشتن شیطان است.

کسی که به او حالات مختلف اختصاص میابد، به یگانگی خود ایمان ندارد، یا کسی که او را به هریک از آفریده‌هایش تشبیه بکند، واقعیت خود او را درک نکرده است.

کسی که او را در تصورات خود به تصویر میکشد، کسی غیر از او را دیده است. او در کار است اما نه با کمک ابزار. او اقدامات لازم را انجام میدهد اما نه با نیاز به مشورت. او ثروتمند است اما نه از طریق کسب ثروت.

(خطبه ۱۸۵)

او واحد و یکتا است. او ابدی است بدون هیچ حدی. او وجود دارد بدون هیچ پشتیبانی. او بزرگ است اما نه از نظر بعد فیزیکی. او در مقام بزرگی و دارای اقتدار عالی است.

(خطبه ۱۸۴)

صفات الهی نازل شده ی خداوند

من باور دارم که او یک اصل است. من از او راهنمایی می جویم زیرا او نزدیک است به من و او راهنما است. من به دنبال کمک او هستم زیرا که او تواناست و همه مشکلات در برابر او تسلیم میشود. من به وابسته هستم زیرا که او هم درد و هم درمان است.

(خطبه ۸۲)

ستایش مخصوص خداوند است، زیرا شرط او مقدم است بر هر شرطی، به گونه ای که او اولین و آخرین او قلمداد میشود و قبل از پنهان شدن آشکارا تلقی میشود. هرکه دارای افتخار است در برابر خدا فروتن است و هرکه قدرتمند محسوب میشود در برابر خدا ضعیف است. در حقیقت هر ملکی متعلق به اوست.

هرکسی جز خداوند که دانشی دارد، دانش را از او آموخته است. هرکسی ممکن است مهارت های آموخته اش را از دست بدهد. هیچ کس جز او قادر به شنیدن صداهای دور و ضعیف نیست درحالیکه صداهای بلند ممکن است او را ناشنوا کند. هر بیننده

ای جز او نسبت به اشیای ریز کور است. هرآنچه او آشکار ساخت در مقایسه با او ناچیز است و هرآنچه توسط او پنهان شده باشد را نمیتوان آشکار نمود.

آنچه را آفریده نه برای استحکام قدرت خود و نه برای ترس از عواقب نبودن آن در گذر زمان بوده است، و نه ترس از برخی همسالان و رقیبان بوده است. همه موجودات توسط او تغذیه میشوند و فروتن اند. او اندرون هیچ جسمی جای نمیگیرد. آفرینش او را خسته نکرد و هیچ عملی او را ناتوان نمی سازد. هیچ گاه بدگویی به عزم او نیامده است. حکم او حتم است، خرد او کامل است و حکومت او قاطعانه است. او در مواقع پریشانی جستجو میشود و حتی به هنگام شادی و نعمت نیز باید خدا را یاد نمود.

(خطبه ۶۴)

ستایش مخصوص خداوند است که از همه چیز بالاتر است و از راه فضل خود به خلق نزدیک است. او بهترین پاداش ها و مطمئن ترین مامن از همه ی مصیبت ها و سختی ها است. من او را برای سخاوت دلسوزانه اش می ستایم.

(خطبه ۸۲)

ستایش مخصوص خداوند است که سخاوتمند است و بخشش اش او را فقیر نمیکند. هرکسی که چیزی را ببخشد آن را از دست میدهد به جز او. او همواره نیکوکار است و به سرتاسر آفرینش هدایایی می بخشد. او هر آنچه برای امرا معاش مخلوقات نیاز است را تامین کرده است و میکند. او راه رسیدن به موفقیت را برای کسانی که روی به سوی او می آورند باز میکند. او سخاوتمندانه نیازها را پاسخ میدهد و حتی در صورت عدم درخواست، پاداش ها را به مخلوقات می بخشد. او قبل از هر چیز وجود داشته است و در انتها بعد از هر چیز است به گونه ای که هیچ چیز غیر از او باقی نخواهد ماند. او قابل دیده شدن و فهمیده شدن توسط انسان ها نیست. گذر زمان در او اثری ندارد و او نیازمند به مکان مشخصی نیست ک نیاز به حرکت داشته باشد.

او آنقدر قدرتمند است که هنگامی که تخیل پیکان های خود را بسوی فهمیدن او میپرانند، و هنگامی که ذهن در تلاش برای فهمیدن عمق وجوی اوست، و هنگامی که قلب تلاش برای فهمیدن او دارد، همه ی آنها به عقب رانده میشوند. آنها با این علم بازخواهند گشت که ذات وجود او را نمیتوان درک نمود.

(خطبه ۹۰)

او خالق است، بدون هیچ زحمت و فعالیتی. او شنونده است بدون استفاده از هیچ اندام جسمی. او بیننده است اما نه با بالا بردن پلک، بلکه او همواره شاهد است، اما بدون همجواری جسمی. او متمایز است، اما نه از طریق هیچ اندازه گیری. او آشکار است اما نه از طریق جسم و تجسم. او پنهان است اما نه به معنای فیزیکی. او از مخلوقات متمایز است، زیرا او بر آنها غلبه دارد و بر آنها مسلط است. در حالیکه مخلوقات به دلیل اطاعت از او و از این رو که به سوی او بازخواهند گشت از او متمایز اند.

خواند صحبت میکند اما نه از طریق گفتار و بدون نیاز به زبان. او میشوند بدون نیاز به گوش. او به یاد می آورد بدون هیچ حفظ کردن و به خاطر سپردنی. او همه چیز را تعیین میکند بدون نیاز به اندوخته ی ذهنی. او عاشق است بدون اینکه دچار احساسات بشود. او دارای غضب است اما بدون اینکه درد ایجاد کند.

(خطبه ۱۸۵)

در مورد قدرت، عظمت، تعالی، و معرفت خداوند:

ستایش مخصوص خداوند است که به درون تمام امور پنهان نفوذ میکند و تمام امور هویدا بسوی اوست. او را نمیتوان با چشم انسانی دید، نمیتوان او را انکار کرد، ذهن که وجود او را اثبات میکند نمیتواند او را درک کند. درجه ی او عالی ترین درجه ممکن است، او به قدری نزدیک است که هیچ کس نمیتواند نزدیک تر از خودش باشد. تعالی

و مرتبه‌ی بلند او، او را از هیچ یک از مخلوقاتش دور نمی‌کند. خداوند ذهن انسان را از ذات خود آگاه نکرده است و این توانایی را به او نداده است. با این وجود، او انسان را از دریافت آگاهی محروم نکرده است. بنابراین، تمام مخلوقات علائم وجود او را تایید میکنند تا زمانی که ذهن‌های انکارکننده نیز به او ایمان می‌آورند. خداوند فراتر از آنچه توصیف شده توسط کسانی که او را با چیزها مقایسه میکنند، یا کسانی که او را نفی می‌کنند توصیف میشود.

(خطبه ۴۷)

همه چیز تحت تسلیم اوست و همه چیز به خاطر او وجود دارد. او ثروت فقرا، افتخار فرومایه‌گان، انرژی افراد ضعیف و پناهگاه مظلومان است. او سخن همه موجودات را میشنود و هرکه سخن نگوید، او تمام اسرار آنها را می‌داند. معیشت همه به او بستگی دارد و بازگشت همه به سوی اوست.

خداوند، چشم‌ها شما را ندیده است، اما شما قبل از اوصاف وجود داری. تمام مخلوقات آفرینش را به دلیل تنهایی خلق نکرده‌ای و نه منفعتی برای وجودت دارند. هیچ کس نمیتواند از تو بگریزد. اگر کسی از شما سرپیچی نماید، اقتدار و بزرگی خود را از او دریغ نمیداری و هرکه از تو پیروی کند منفعتی برای تان ندارد. کسی که از داوری شما مخالف است نمی‌تواند بدون خواست تو تغییر کند و کسی که از فرمان شما دور است، بدون تو نمیتواند آن را انجام دهد. تمام رازها برای خداوند آشکار است و هر آنچه برای دیگران ناشناخته است برای شما شناخته شده است.

(خطبه ۱۰۸)

اگر خداوند تمام آنچه را که در معادن زیر زمین وجود دارد، گنجینه‌های کوه‌ها، طلا، نقره، مروارید، و مرجان را از اقیانوس‌ها بگیرد، هیچ تاثیری بر بزرگی خداوند نخواهد داشت و نه چیزی از دارایی‌های او کاسته نمیشود. او چنین فضل‌ها و گنجینه‌هایی

دارد که با تامین خواسته های موجودات کاهش نمی یابد. او چنین موجود سخاوتمندی است. هرگز از فضایل او کم نمیشود و نیز درخواست های مکرر از طرف جستجوگران، او را ناامید نمیکند.

(خطبه ۹۰)

این جهان و جهان بعدی همه تسلیم امر اوست. درختان هر صبح و عصر او را عبادت میکنند که این امر برای انسان ناشناخته است و میوه های رسیده به خواست او تولید میشوند و به بار می آیند.

(خطبه ۱۳۲)

ستایش مخصوص خداوندی است که اقتدار، جلال، شکوه و عظمت خود را به عالمیان نشان داده است و با شگفتی های آفرینش چشم ها را خیره میکند. اذهان از درک واقعیت صفات او بسیار دور هستند. من شاهد هستم و یقین، اخلاص و اعتقاد راسخ دارم که خدایی جز خداوند یکتا وجود ندارد.

(خطبه ۱۹۷)

خداوند اجزای جدا از هم را پیوند می دهد و اجزایی که به هم پیوسته هستند را از یکدیگر جدا میکند. او هیچ محدودیت زمانی و مکانی ندارد. او بسیار فراتر از چشم بینندگان است.

(خطبه ۱۸۵)

حضور و یا عدم حرکت در او رخ نمیدهد. این امر اما چگونه ممکن است؟ اوست که موجب حرکت است چگونه میتواند در معرض چیزی باشد که خود آفریده است؟ و چگونه میتواند چیزی در او ظاهر شود حال آنکه خود خالق بوده است؟ اگر این امر درست بود، او تحت تنوع قرار میگرفت، هستی او قابل تقسیم به بخش هایی می شد و

از واقعیت جلوگیری میشد تا ابدی بشود. اگر ابتدایی داشت، باید دارای نقطه پایانی نیز می بود. او بسیار بالاتر از اموری است که تحت تاثیر چیزی قرار بگیرد.

(خطبه ۱۸۵)

خداوند از ندای جانوران موجود در جنگل ها، گناهایی که مردم در خلوت میکنند آگاه است. او از هر حرکتی در اعماق اقیانوس ها و نیز از بالا آمدن آب اقیانوس ها با وزش باد شدید آگاه است.

(خطبه ۱۹۷)

آیا آنها به عظمت قدرت خداوند و گستردگی سخاوت او اندیشیده اند؟ آنها ممکن است به راه درست برگردند (با ایمان آوردن به خداوندی خدا) و ممکن است از عذاب الهی بترسند (بخاطر انکار خداوند)، اما دریغ که قلب ها بخشنده و چشم ها بسته است. آیا آنها به مخلوقات ریز و کوچکی که خداوند به آنها جان داد نمی نگرند. چگونه خداوند به جثه ی آنها نیرو داد تا بتوانند حرکت کنند، به آنها قدرت شنوایی داد، اجزای مختلف بدن آنها را خلق نمود و این موجودات ریز را آفرید؟

(خطبه ۱۸۴)

خداوند مخلوقات را بدون داشتن هیچ گونه مثال و تمثیلی و بدون نیاز به هیچ گونه کمکی خلق نمود.

خداوند زمین را خلق کرد و آن را در میان سایر ستارگان بصورت معلق و بدون نیاز به نیرویی نگه داشت، آن را در جای معینی بدون هیچ کمکی حفظ نمود، آن را بدون هیچ ستونی بلند نمود، و از آن در برابر آفات محافظت نمود. کوه ها را بر روی زمین هم چون میخ درآورد، سنگ ها را محکم ساخت، نهرها را جاری ساخت و دره های فراخی آفرید. هرآنچه او آفریده است بدون عیب و نقص است.

هنگامی که اراده به خلق هر گونه ای نماید، به آن چیز میگوید باش و آن میشود، اما این امر از طریق صدایی ناهنجار و گوش خراش رخ نمیدهد. عمل خلقت از طریق کلمات او انجام میپذیرد، میگوید "باش" و میشود.

(خطبه ۱۸۵)

ستایش مخصوص خداوند است کسی که دیده نمیشود و بدون نیاز به تجربه قبلی، می آفریند بدون هیچ مشکلی. سلطنت مخصوص اوست، قدردانی برای توان اوست.

او بوسیله سخاوت و بزرگی خود، عظمت خویش را نشان میدهد. او است کسی که مخلوقات خود را آفرید تا زمین را از مخلوقات مملو نماید و پیامبران خود را فرستاد بسوی مردم تا به ناتوانایی های خود پی ببرند. پیامبران او نسبت به مشکلات هشدار میدهند، تا مثال های خوبی فراهم آورند، تا راهنمایی فراهم آورند. پیامبران برای بیان قوانین و آنچه منع است فرستاده شده اند. هشدار برای پاداش و مجازات (بهشت و جهنم) خداوند برای اطاعت و عدم اطاعت. من او را میپرستم، زیرا او مخلوقات خود را دوست دارد که او را پرستند. او برای هر چیز میزانی قرار داده است. برای هر اندازه، محدودیت زمانی قرار داده است، و برای هر محدودیت زمانی یک مستنداتی قرار داده است.

(خطبه ۱۸۲)

در مورد دانش خداوند:

تمام امور زیر سلطه خداوند است و چیزی از احاطه او خارج نیست. این امر محفوظ شده است و چیزی را از دست نمیدهد. ما به او باور داریم، همانند آنکه او را دیده باشیم (از طریق قلب) پاداش و وعده آخرت تضمین شده است؛ ایمانی که خلوص آن هر شریکی را از او دور میسازد، و ایمانی که هر شک و شبهه ای را از بین میبرد.

(خطبه ۱۱۳)

او دانش خود را از کسی نیاموخته است و او همه امور را بدون توجه با بازتاب آن یا تامل و نیاز آن برآورده می‌سازد.

(خطبه ۲۱۲)

هیچ امری او را مشغول نمی‌سازد. گذر زمان هیچ تاثیری روی او ندارد. او محدود به هیچ مکانی نیست و زبان‌ها قاصر از توصیف او هستند. تعداد قطرات آب اقیانوس‌ها، تعداد ستارگان آسمان، و یا حتی میزان بادها همگی بر او آشکار است. حرکت مورچه‌ها و یا حرکت حشرات در شب تاریک بر او آشکار است. او مطلع از مکان تک‌تک برگ‌هایی است که بر روی زمین می‌افتند. او آگاه به حرکت مخفی چشم‌هاست.

(خطبه ۱۷۷)

بنابراین، خداوند از آنچه در رحم است با خبر است، دختر است یا پسر، زشت است یا زیبا، سخاوتمند است یا نه، بدخلق است یا باتقوا، و کسی که به بهشت می‌رود و همنشین پیامبران می‌شود و یا به جهنم می‌رود. رمز عالم بر کسی هویدا نیست، تنها خدا آگاه است، مگر علمی که خداوند به حضرت محمد(ص) ارسال نمود.

توجه: امام علی فرموده است که علم پیامبر به ایشان نیز منتقل شده است.

(خطبه ۱۲)

خداوند، با شکوه و جلال، هیچ چیزی از او پنهان نیست، آنچه انسان‌ها شب و روز انجام می‌دهند. او از همه جزئیات آگاه است و آگاهی او شامل همه امور می‌شود. اندام شما شاهد است و ارتشی تشکیل می‌دهند بر ضد خود شما، درون شما در خدمت اوست (شاهد کارهای بد شماست)، و حتی هنگامی که تنها هستید، او با شماست.

(خطبه ۱۹۸)

خداوند نه زائیده است و نه زائیده شده است:

او دارای فرمی نیست و بنابراین امکان تغییری وجود ندارد. او هیچ گاه تولید نشد و به دنیا نیامد. اگر اینگونه بود، او دارای محدودیت میشد. او بسیار متعالی تر از آن است که دارای فرزندی باشد. او بسیار عالی تر از آن است که دارای شریکی باشد. احساسات، تصورات و وهم و گمان انسان نمیتواند به او برسد. نمیتوان عدی به نسبت داد. او والاتر از تصورات و فهم است. او از مکانی به مکان دیگر نقل مکان نمیکند. گذر شب و روزها موجب پیر شدن او نمیونند. تاریکی و روشنایی بر او اثری ندارند.

(خطبه ۱۸۵)

خداوند پایانی بر این جهان می آورد و رستاخیز را همانگونه که میخواهد، می آورد: او پایانی بر جهان می آورد، چون او همواره وجود دارد و بنابراین هرچیزی غیر از او نیست.

پایان جهان پس از خلقت، پدیده ی عجیبی بیش از آفرینش او برای او نیست. رستاخیز چگونه خواهد بود؟

حتی تمام مخلوقات او، همراه با انسان، با به کار بردن تمام خرد خود، نمیتوانند حشره ای را پدید بیاورند. آنها مبهم و آزار دهنده خواهند بود. تمام نیروها و برنامه های آنها از بین میرود و خسته و ناامید میشوند، به شکست های خود آگاه میشوند، ناتوانی خود را میپذیرند و به ضعف خود آگاه میشوند که حتی نمیتوانند حشره ای را بر خلاف میل خدا از بین ببرند.

قطعا، پس از پایان جهان، خداوند با جلال به تنهایی باقی خواهد ماند. او پس از انهدام دنیا همچنان باقی خواهد ماند، همانگونه که قبل از همه چیز او وجود داشت. در آن هنگام، زمان، مکان و گذر زمان در حیات متوقف میشوند. قطعا هیچ چیز جز خداوند ماندگار نیست، یگانه و نیرومند. همه چیز به او باز میگردد. خلقت دارای هیچ

قدرتی نبود، و نیستی او نیز به قدرت خویش نیست. اگر موجودی دارای قدرت بود تا از نابودی خود جلوگیری کند، آنگاه می‌توانست به بودن خود تا بی نهایت ادامه دهد.

هنگامی که خداوند خلقتی انجام دهد، آن موجود او را به خود مشغول نمیسازد و مشکلی برای او پیش نمی‌آورد، و عمل خلقت او را خسته نمیکند. او برای افزایش قدرت خود چیزی را خلق ننمود، و نه به خاطر ترس از چیزی، و نه برای کمک گرفتن در مقابل دشمنی، و نه برای مقابله با دشمنی، و نه برای افزایش وسعت خود، و نه به دلیل احساس تنهایی.

او به همه مخلوقات پایان میدهد، نه به دلیل نگرانی از چیزی که به او سلطه گیرد و نه برای هیچ تغییر دیگری. مدت زمان موجودیت زمین او را خسته نمیکند. اگرچه، خداوند با جلال، آن را مهربانی خود پرورش داده است، آن را با فرمان خود دست نخورده نگاه داشته است، و آن را با قدرت خود کامل نموده است. و پس از ویرانی آن، او را احیا میکند، نه چون به آن نیاز دارد، و نه برای بدست آوردن هیچ نیرو و نه افتخاری.

(خطبه ۱۸۵)

رحمت، بخشش و فضل خدا:

ستایش مخصوص خداست که کسی از رحمت او مایوس نشود، کسی از فضل او از کسی محروم نمیشود، بخشش او شامل همه میشود و برای او کسی بر دیگری برتری ندارد. فضل و رحمت او هرگز متوقف نمیشود.

(خطبه ۴۵)

آگاه باش که او تو را برای هدفی خلق نموده است و تو را کاملاً رها نکرده است. او از میزان نعمت هایشبه تو آگاه است. او را ستایش کن و به سخاوت او استناد کن. هیچ

پرده ای میان او و تو نیست و نه دری میان تو و او بسته نیست. او در هر مکان و هر زمان حاضر است، او همیشه با انسان هست و ارزانی نعمت چیزی از او نمی کاهد.

(خطبه ۱۹۴)

درمورد جاودانگی خداوند:

هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست، او یکی است و شریکی ندارد به گونه ای که چیزی پیش از او وجود نداشت. او آخرین است به گونه ای که چیزی پس از او وجود نخواهد داشت. نمیتوان او را به چند جز تقسیم نمود. قلب ها از درک او عاجز اند و چشم ها نمیتوانند او را ببینند.

(خطبه ۸۴)

ستایش مخصوص خداوند است، کسی که بوده و خواهد بود و همه چیز، آسمان، زمین، و انسان همگی تحت سلطنت او هستند. او در تخیل نمیگنجد و قابل درک نیست. کسی که از او چیزی بخواهد، او را از توجه به دیگران باز نمیدارد. و نه بخشش او، از فضل او میکاهد. او را نمیتوان با چشم سر دید و نه به مکان وابسته است. او دارای فرزند نیست و نیازی به کمک برای خلقت ندارد. او را نمیتوان با حواس درک کرد و فراتر از تصور انسان است.

(خطبه ۱۸۱)

وجود او مقدم بر هر چیزی است و او پیش از هر چیزی وجود داشت. این نشانه ی والای اوست. خلقت اندام های حساس نشانه ی قدرت او در آفرینش است و آفرینش چنین اندام های حساسی نشانه ی آن است که او همانندی ندارد و چیزی همانند او در آفرینش وجود ندارد. او خالق تمام امور متضاد است؛ نور در مقابل تاریکی، روشنایی مقابل غم و اندوه، خشکی مقابل رطوبت، و گرما برعکس سرما.

نمیتوان گفت که او پس از عدم وجود، بوجود آمد؛ زیرا در این صورت ویژگی‌های موجودات به او باز میگردد. هیچ تمایزی بین او و آفرینش او وجود ندارد و بنابراین خالق و مخلوق برابر میشوند و درد یک مقطع زمانی قرار میگیرند (که اینگونه نیست).

(خطبه ۱۸۵)

برکات خداوند

مقدمه: حس بویایی هدیه‌ای از طرف خداوند است. بدن ما دارای توانایی‌های بینایی، گفتار، گردش خون و غیره است که همگی هدایایی از طرف خداوند هستند. عقل، دانش، قدرت استدلال، و ایمان ما موهبت هستند. پدر و مادر، فرزندان، خویشاوندان، و دوستان هدایایی از او به ما هستند. خورشید، ماه، طبیعت و تمام سیاره‌های کوچک و بزرگ متعلق به او هستند و بسیاری دیگر فراتر از دانش ما وجود دارند که همگی نعمت‌های خداوند برای بشر است. ما توانایی درک او را نداریم و نمیتوانیم از او برای نعماتش تشکر کنیم. در ادامه دیدگاه حضرت در مورد جست و جوی نعمت‌های خداوند است، در حالیکه در همان حال، به سرنوشت خود نگاه نمیکنیم.

یادآوری نعمت‌های خداوند به مردم:

خداوند گوش را ساخته تا آنچه مهم است را دریابیم و چشم داده تا حقیقت را ببینیم و کور نماییم.

(خطبه ۸۰)

او به شما روزی داده، شما را با دانش خود محاصره کرده است، پاداش وعده داده شده و به شما پاداش و هدیه داده است.

(خطبه ۸۲)

خداوند خالق و تامین کننده است:

خدا را سپاس که شکر گذارده میشود بدون دیده شدن، و بدون نیاز به تامل، خلق میکند. آن زمان که هیچ بهشت و آسمانی، نه یک شب غم انگیز، نه یک اقیانوس آرام، نه کوههایی با مسیرهای گسترده، نه زمینی با دشت و هیچ موجودی وجود نداشت، او بود. خورشید و ماه مطابق میل او (قوانین او) مطیعانه حرکت می کنند.

او رزق و روزی توزیع می کند، حساب کارها را می کند و (حتی) نفس کشیدن را حساب می کند. او از نگاههای یواشکی و آنچه پنهان است آگاه است. در آغوش او مکانهای اقامت (افراد خود) را در این کشور می دارد. او از پدر و مادر هممه خلق و زمان اتمام زندگی آنها آگاه است.

(خطبه ۱۹)

نعمت های خود را به اشتراک بگذارید و برای دانش بیشتر دعا کنید (توصیه به پسر خود):

اگر در اطراف خود افراد فقیر، نیازمند و بی بضاعتی را می شناسید و مایلید که از دارایی خود با آنها قسمت کنید، بدانید که این خصلت یک نعمت است. ثروت خود را با آنها تقسیم کرده و بخشش کنید. به دیگران در حد توانایی خود کمک کنید، و با هموعان مهربان و دلسوز باشید. به این وسیله، خود را از مسئولیت سنگین بازپرسی در زور قیامت و نحوه استفاده شما از نعمتها رهایی بخشید. بدین ترتیب، شما در پایان سفر (زندگی پس از مرگ) سبک و تازه می باشید، و در آنجا برای شما ذخیره کافی در نظر گرفته شده و برای انجام وظیفه خود در قبال خدا و بشریت در زندگی دنیوی خود پاداش داده میشوید. به وسیله ی دعا کردن، به خداوند نزدیک شوید و هر زمان نیازمند گنجینه های او شدید، دعا کنید و از او عطای برکاتش را خواهان باشید.

(نامه ۳۱)

به راستی ، آن (مرگ) به عنوان مهمترین حالت به شما خواهد آمد بزرگترین واقعه زندگی شما ممکن است نعمت و پاداش برای آن داشته باشد و یا ممکن است مجازاتها و رنجهایی را به دنبال داشته باشد. این است برای اینکه شما تصمیم بگیرید که آیا به سمت صلح دائمی پیش بروید و برکت ، بهشت ، یا به سوی لعنت ابدی ، یعنی جهنم..

(نامه ۲۷)

دعای خیرات خداوند:

الحمدلله که نعمتش هرگز از دست نمی رود و لطفش قابل جبران نیست

(خطبه ۴۸)

به آنها (بندگان خدا) فرصت داده می شود تا رهایی پیدا کنند ، راه درست را نشان داد ، و مجاز به زندگی (روی زمین) و جستجوی (او) است، یه آنها که لطف می کند تاریکی تردیدها از آنها دور شده است و آنها در این دوره از زندگی به عنوان یک مکان آموزشی برای ساخت آزاد هستند. آماده شدن برای روز قیامت ، برای جستجوی هدف با اندیشیدن ، برای تأمین منافع و تأمین محل اقامت (ابد) (دنیای بعدی)

(خطبه ۸۲)

ستایش خداوندی است که بازگشت همه موجودات خلق شده به سوی است، پایان همه امور ما او را به خاطر عظمت او ستایش می کنیم.

سخاوت ، خیرات برهان های او ، افزایش نعمت های او و به لطف ، ستایش ممکن است حقوق او را برآورده کند ، با سپاس بازپرداخت کنید ، (ما) در نزدیکی پاداشهای او (در آخرت) ، و این بر پاداش مهربانی او افزوده می شود

(خطبه ۱۸۱)

خلقت آسمان ، زمین و آفرینش آدم

مقدمه: از هیچ چیز، حیوانات، گیاهان، حیوانات، حشرات، خدا آفرینش خود را از آن بیرون آورده است.

میکروب ها، عناصر طبیعت، همه برای ما ایجاد شده اند

احسان خداوند در کتاب مقدس می فرماید که خورشید، ماه و گاوها برای ما، و او به ما دستور می دهد در مقابل او را تسبیح و ستایش کنیم. حضرت علی (ع) در اینجا برخی از آفرینش ها را برشمرده، آنها را از نظر خودش بررسی می کند. چشم انداز، ابراز شگفتی، و ستایش می فرستد و سپاسگزاری از خدا با کلمات زیبا مینماید.

خداوند با قدرت مطلق خود خلقت را پدید آورد، پراکنده شد از طریق شفقت او می پیچد و زمین را با لرزه کوه ها در می آورد

(خطبه ۱)

آفرینش جهان:

او آفرینش را از ابتدا آغاز کرد، بدون نیاز به انجام تغییر، بدون استفاده از هیچ آزمایش و بدون نیاز به هر حرکتی انجام داد. او به همه چیزهای خلقت محدودیت زمانی آنها اختصاص داد، به آنها انواع، ویژگی ها و خصوصیات آنها را اعطا کرد. او قبل از اینکه آفرینش را به وجود بیاورد، دانش کاملی داشت. وجود، محدودیت ها، محدوده ها، تمایلات و پیچیدگی های آنها را به خوبی می دانست.

وقتی خداوند متعال روزنه هایی را در جو، وسعت زمین و لایه های بادهای ایجاد کرد، او آب را به درون آن، موج هایش طوفانی است و موج هایش یکی بیش از دیگری می جهد. او آن را روی بادهای تند و طوفان های قدرتمند باراند، به آنها دستور داد آن را پس بزنند (به عنوان باران)، وزش باد را کنترل کرد نیروی باران، و محدودیت های آن را تعیین کرد. باد وزید زیر آن در حالی که آب بیش از حد به آن بدهکار بود. خدای

متعالم باد را آفرید ، مکان آن را تعیین کرد ، حرکت آن را شدت بخشید و آن را به همه جا فرستاد سپس ، به او دستور داد تا باد را از هوا بلند کند.

آنها و تشدید امواج اقیانوسها. بنابراین ، باد آنها مانند خلال کشک ، تا زمانی که سطح آن بالا رفت و سطح با کف پوشانده شد. سپس حق تعالی کف را بلند کرد تا باد و وسعت وسیع ، و هفت آسمان را ساخت. او آسمان سفلی را یک جهش ثابت و آسمان بالایی را قرار داد. سقف محافظ بدون ستون برای حمایت از آن یا میخ برای نگه داشتن آن با یکدیگر. سپس ، او پایین ترین آسمان را با ستارگان و درخشان و شهاب سنگ تزئین کرد، و سپس او خورشید درخشان و لرزش را به حالت تعلیق درآورد. ماه ، آسمان های گردان را ایجاد می کند و می چرخاند.

(خطبه ۱)

عظمت خدا؛ آفرینش جهان:

عظمت و قدرت منحصر به فرد برای خدا و نوآوری اوست. زمینی خشک را از آب اقیانوس بی سر و صدا و پرتحرک ساخته است.

سپس آن را به صورت لایه ها درآورد و آنها را به هفت آسمان جدا کرد. سپس آنها به دستور او ثابت شدند (موقعیت خود را تغییر دادند). آنها مطیع او بودند و با ترس از او تسلیم شدند.

وی همچنین سنگها ، تپه ها و کوههای بلند را ایجاد کرد. آنها را گذاشت و ثابت کرد. آنها را در موقعیت های مربوطه به خود قرار داده و آنها از زمین بلند شدند در حالیکه ریشه های آنها عمیق بود.

او کوهها را بالاتر از دشتها برافراشت و آنها را برافراشت.

قله های آنها را بلند و بدنهایشان را بلند کرد. او آنها را مانند گیره در اعماق زمین ساخته است. در نتیجه ، زمین پایدار شد. در غیر این صورت، سطح آن تسلیم می شود ، با ساکنانش غرق می شود ، یا حرکت می کند و تکان می خورد.

از این رو ستایش شده است که زمین را پایدار ساخته ، زمین را مهار کرده است. به این ترتیب ، او زمین را به یک گهواره گسترش می دهد و آن را برای مخلوقاتش به شکل دشت های بیش از اعماق اقیانوس گستراند. او آن را ثابت کرد ، بنابراین ممکن است حرکت نکند. او با بادهای شدیدی آب را به حرکت درآورد و ابرها را برای کشیدن واداشت. "در این درسی برای کسی که از (خدا) می ترسد وجود دارد"

(قرآن ۷۹:۲۶)

(خطبه ۲۱۰)

اطلاعات بیشتر در مورد خلقت جهان:

در خلقت ، بزرگ ، ظریف ، سنگین ، سبک ، قوی و ضعیف ها همه به یک اندازه مهم هستند. به طور مشابه ، آسمان ، هوا ، بادهای ، و آب به همان اندازه مهم است. بنابراین ، به خورشید ، نگاه کنید. ماه ، پوشش گیاهی ، گیاهان ، شب و روز. رعایت کنید. چشمه های جویبارها ، کوه های عظیم ، قله های بلند آنها ، تنوع در طبیعت و تنوع زبانها. پس ، وای به حال کسی که به خالق کافر نمی شود. او که معتقد است وجود دارد فلد می کند اما کشت کننده وجود ندارد و سازنده اشکال متنوع وجود ندارد. در خلقت ، استدلال منطقی برای آنچه معتقد است ندارد. آیا می توان یک ساختمان را بدون سازنده ساخت؟

(خطبه ۱۸۴)

درباره خلقت:

خداوند خالقیت را بدون هیچ مثال قبلی پدید آورد. او به ما نشان داد قلمرو قدرت او و شگفتی‌هایی را نشان می‌دهد که از او صحبت می‌کنند. عقل اثبات قدرت خلاقیت و خرد او است. چیزهای شگفت‌انگیزی که می‌بینیم آفرینش او یک استدلال به نفع او است، و ما را به سمت او راهنمایی می‌کند. حتی یک خلقت بی‌جان ما را راهنمایی می‌کند نسبت به او، گویی که در سکوت خود "صحبت" می‌کند.

(خدایا)، من شاهد هستم که کسی که تو را با داشتن اندام تصور می‌کند یا جسمی هیچ شناختی از شما ندارد و قلب او نیز چنین است. متقاعد نشوید که هیچ شریکی ندارید. کسانی که شما را به بت‌های آنها هستند و تصور می‌کنند که شما مانند موجودات لباس می‌پوشید، آنها در داخل هستند. خطای آشکار من شاهد هستم که هرکس شما را با هر چیزی از خلقت شما مقایسه کند برای شما برابر است و هرکس که این کار را انجام دهد که طبق آیات صریح و ادله روشن کتاب شما (قرآن) کافر است. (من شاهد هستم که) تو خدا هستی، چه کسی نمی‌تواند با حد هوش (انسانی) درک شود و همچنین شما هیچ تغییری در وضعیت یا تغییر وضعیت کشش تخیل ندارید.

(خطبه ۹۰)

شکوه آفرینش:

الحمد لله خدای خالق بشریت. او زمین را گسترش داد، او نهرهایی را به وجود می‌آورد و گیاهان را رشد می‌دهد. بدوی او وجود نه آغاز دارد و نه جاودانگی او پایانی دارد. پیشانی‌ها به او خم می‌شوند و لب‌ها یگانگی او را اعلام می‌کنند. او محدودیت‌های چیزهایی که در زمان ایجاد آنها بود. او خود را از هر شباهتی (به آفرینش او) خود جدا نگه داشت

(خطبه ۱۶۲)

از جمله براهین خلقت او خلقت آسمانهاست که بدون ستون معلق هستند و بدون پشتیبانی پایدار هستند. او آنها را نشانه گرفت و آنها با فرمانبرداری و فروتنی با آنها پاسخ دادند. زود هنگام بودن اگر آنها خدایی او را تصدیق نمی کردند و اطاعت نمی کردند. به دستور او ، او آنها را به عنوان مکانی برای انتخاب انتخاب نمی کرد.

تخت او، محل اسکان فرشتگانش و مقصد پاک ها سخنان و اعمال صالح موجوداتش.

او ستارگان آسمانها را به عنوان تابلوهایی ساخته است که به وسیله آنها مسافران روی زمین هدایت می شوند. تاریکی پرده های تاریک شب نه نور آنها را مسدود می کند و نه حجاب های شب تاریک. قدرت برای جلوگیری از نور ماه هنگام گسترش آن. جلال باد خدایا مناطق کم ارتفاع زمین یا مناطق مرتفع از او پنهان نیستند.

کوهها ، حتی تاریکی شب تاریک آنها را کفن می کند. رعد و برق ابرها در افق آسمانها ، یا جرقه های رعد و برق در ابرها ، یا ریزش برگهایی که از برگ آنها منفجر شده است. مکانهایی که توسط باد شدید یا ریزش آسمان وجود دارد ، از او پنهان نیستند. او می داند که قطرات باران در کجا ریخته و در کجا قرار دارند. او می داند که چه معیشتی پشه تحمل می کند ، و نیز چه در داخل رحم ها حمل میشود.

(خطبه ۱۸۱)

درباره کمال در خلقت:

خداوند برای هر آنچه آفریده است محدودیت هایی قائل شده و محدودیت ها را برای آن ایجاد کرده است ، و کارکرد آن را افزایش داده و کار را ظریف ساخته است. او مسیر خود را معین کرده است و از حد خود عبور نمی کند. موقعیت و رسیدن به پایان هدف خود کوتاه نیست.

هنگام فرمان چگونه می توانست سرپیچی کند ، زیرا همه امور توسط او اداره می شوند. اراده؟ او خالق انواع اشیا بدون استفاده از تخیل ، بدون اصرار انگیزه ، بدون (زیر) هیچ آزمایش و بدون نیاز به شریکی که ممکن است به او کمک کرده باشد. او در خلق چیزهای شگفت انگیز کامل است.

بنابراین ، آفرینش به دستور او کامل شد؛ در اطاعت او خم شد و به ندای او پاسخ داد. تبدیلی یک حلزون حرکت (حشره) یا بی تحرکی یک بهانه گیر مانع از پاسخ دادن او به صدا زدن. بنابراین ، او چیزها را صاف کرد و حدود آنها را محدود کرد. با قدرت خود ، انسجام را در جنبه های متناقض آنها ایجاد کرد و به کسانی که شبیه هم بودند پیوست. سپس ، آنها را به انواع مختلف جدا کرد که در اندازه ها ، مقادیر ، خصوصیات و اشکال متفاوت هستند. او آنها را ساخت و هر طور که خواست به آنها شکل داد

(خطبه ۹۰)

شرح آفرینش آدم:

خداوند خاک رس را از انواع سخت ، نرم ، شیرین و ترش زمین جمع کرد سپس آن را در آب فرو برد تا تصفیه شود و سپس آنرا ورز داد و رطوبت اضافه کرد تا چسبناک شود. از آن ، او تصویری با منحنی ها ، مفاصل ، اندام ها و بخش ها. او آن را محکم کرد تا جایی که خشک شد برای یک مدت مشخص سپس او از روح خود به آن دمید. پس از آن به شکل یک انسان با ذهن حاکم بر او ، عقلی که او استفاده می کند و اندامهایی که به او خدمت می کنند موقعیت خود را تغییر دهید. او به او حکمتی بخشید که بین آنها تفاوت ایجاد می کند. حقیقت و دروغ و حس چشایی و بویایی. او مخلوطی از است خاک رسهای با رنگهای مختلف ، مواد منسجم و خصوصیات متفاوت مانند گرما ، سرما ، نرمی و سختی.

(خطبه ۹۰)

آفرینش انسان (ادامه):

به انسانی که خدا در رحمهای تاریک آفریده است ، پشت لایه ها نگاه کنید. پرده ها (داخل شکم مادر) ، از یک اسپرم کوچک.

سپس ، آن را به صورت یک لخته بدون شکل ، سپس به یک جنین و سپس به صورت یک لخته در آورد. نوزاد شیرخوار ، سپس یک کودک ، و در نهایت یک مرد. او به او یک قلب ، یک زبان برای گفتن و چشم برای دیدن ، تا بتواند درس (ازهر آنچه در اطراف او است) و به آن واکنش نشان دهید ، و به هشدار توجه کنید و بدین ترتیب از شر پرهیز کنید.

(خطبه ۹۰)

اطلاعات بیشتر در مورد خلقت انسان:

ای موجودی که منصفانه آفریده شده و پرورش یافته ای و در تاریکی رحم از او مراقبت می شود! شما با جوهر خاک رس و در یک مکان ساکت و برای مدت مشخص و یک اصطلاح ذخیره می شود. شما به عنوان جنین در رحم مادر خود حرکت کردید. نه به تماس پاسخ می دهد و نه صدایی می شنود. سپس ، شما را از محل اقامت خود به مکانی که داشتید بیرون بردند، و شما هیچ شناختی از منتظران ندارید.

شما نمی دانستید چه کسی شما را برای دستیابی به تغذیه از پستان مادرتان راهنمایی می کند. کسی که قادر به درک نیست پیچیدگی های یک موجود فیزیکی قطعاً نمی تواند ذات خالق را درک کند.

(خطبه ۱۶۲)

در مورد آفرینش اولین انسان و مقام پیامبران:

هنگامی که خدا زمین را گسترش داد و دستورات خود را اجرا کرد ، او آدم (سلام الله علیه) را به عنوان بهترین آفرینش خود برگزید. او را وادار به اقامت در بهشت کرد و برای رزق و روزی خود ترتیب داد ، و او آنچه را که ممنوع است به او اطلاع داد. او به آدم هشدار داد که نزدیک شدن به حرام ، نافرمانی در برابر خدا تلقی می شود ، و وضعیت او را به خطر می اندازد. با این حال ، آدم نافرمانی کرد ، و خدا آن را از قبل می دانست. در نتیجه ، خدا او را پس از توبه او به زمین فرو فرستاد ، تا زمین را با فرزندان خود (آدم) و برای او آباد کند و به عنوان یک پیامبر در میان مخلوقات خود خدمت کند.

هنگامی که خداوند آدم را بمیراند ، بشریت را بدون آن رها نکرد شخص دیگری ، که به عنوان اثبات و التماس او برای خداپذیری او خدمت می کند و پیوندی بین بشریت و خداست. او هم به وفور و هم به ندرت امرار معاش کرد. نعمت کم و همچنین فراوان را توزیع کرد. او هر کسی را با رفاه یا فقر آزمایش کرد ، تصمیم گرفت تا بداند که چه کسی شکرگزار است و چه کسی صبور است. او تأثیر را با بیچارگی ، ایمنی با مصیبت و لذت را با اندوه سنجید.

بعضی طولانی بودند و دیگران کوتاه بودند. او مرگ را برای همه تعیین کرده است.

از ماده موجود ، یا از نمونه های موجود خلق نکرده است. او هر آنچه را که قصد داشت خلق کرد و سپس حدود آن را کسب کرد ، و هرچه را که شکل داد بهترین شکل را به آن داد. اطاعت از او مقدر شده است؛ با این حال ، هیچ فایده ای برای او ندارد. او دانش گذشته ، دانش حال ، دانش از آنچه در آسمانهای بلند است و آنچه (در اعماق زمین) است دارد.

(خطبه ۹۰)

درباره کسانی که گمراه هستند:

وقتی انسانی به بزرگسالی رسید ، قربانی خودپنداری می شود و گیج می شود. او (انسان) خواسته های خود را برآورده می کند ، در تحقق خواسته هایش مشغول می شود و به دنبال لذت های دنیا است.

او از عواقب اعمال خود نمی ترسد. او زندگی در پیگیری های بیهوده کوتاه خود را می گذراند. او هیچ پاداشی برای زندگی پس از مرگ دریافت نمی کند و نه او به تعهدات خود عمل می کند. در حالی که هنوز در لذت ها غوطه ور است بیماری مهلکی او را فرا می گیرد و دچار حیرت می شود. او شب را در بیداری به دلیل اندوه و درد ناشی از بیماری می گذراند. بستگان او با رنج و عذاب مرگ ، بی اختیار او را تماشا میکنند و او با بار سنگین می میرد.

(خطبه ۸۲)

درباره خلقت مورچه:

آیا آنها موجودات ریزی را که او آفریده است نمی بینند؛ چگونه او سیستم های خود را طراحی کرد ، به آنها شنوایی ، بینایی و توانایی داد؟

به مورچه با بدن کوچک و فرم ظریف آن نگاه کنید. چگونه حرکت می کند و درمورد تأمین معاش خود دانه غذا را به سوراخ خود در زمین می رساند و آن را در جای خود قرار می دهد. در طول زندگی رزق و روزی خود را در تابستان برای استفاده در زمستان جمع می کند. خدا امور امرار معاش را برای او مهیا کرده است. خداوند با او مهربان است ، از نیازهای آن چشم پوشی نمی کند و از رزق و روزی آن را محروم نمیگرداند. اگر در مورد آناتومی و فیزیولوژی آن فکر می کنید، از چشم سر آن گرفته ، شما از ایجاد آن شگفت زده خواهید شد و این قدرت خداوند است که او را بر پاهای خود ایستاده است. هیچ کس به او در پیدایش آن کمک نکرد و هیچ کس او را در خلق آن

یاری نکرد. از تصورات شما شناختی در مورد او درک نخواهد کرد ، جز این که متوجه خواهید شد که خالق مورچه همان خاستگاه کف خرما است. خدا همه چیز را با جزئیات پیچیده آفریده است ، و همه موجودات زنده منشأ مشابهی دارند.

(خطبه ۱۸۴)

درباره خلقت خفاش:

نمونه ای از خلقت ظریف و شگفت انگیز و حکمت عالی او در خفاش ها دیده می شود. آنها در نور روز پنهان می مانند ، اگرچه نور روز همه موارد دیگر را نشان می دهد. آنها در شب فعال هستند ، در حالی که موجودات دیگر در شب استراحت می کنند. چشمانشان از نور روز مات شده است. خداوند آنها را به جای مخفی کردن در روز ، در مکان های مخفی خود محدود کرده است. در نتیجه ، آنها چشمان خود را در روز می بندند ، شب را به عنوان چراغ در نظر می گیرند و در جستجوی امرار معاش خود علوفه می خورند. تاریکی شب مانع بینایی آنها نمی شود و نیز تاریکی مانع پرواز آنها نیست. آنها رزق و روزی خود را در شب به دست می آورند. با شکوه او که شب را به عنوان "روز" خفاش ها برای امرار معاش قرار داده و روز را برای استراحت و خواب آنها قرار داده است. او به آنها بال و بدون پر داده است. رگهای بال را کاملاً مشخص می بینید. این دو بال ظریف و در عین حال محکم هستند و درست برای پرواز مناسب هستند. هنگام پرواز ، نوزادانشان برای محافظت به آنها آویزان می شوند. کودک هر کجا که می رود نزد والدین می ماند و تا وقتی که برای پرواز به اندازه کافی قوی نشود ، آنجا را ترک نمی کند. با شکوه خداوندی است که همه چیز (بی نظیر) را بدون هیچ گونه سابقه ای می آفریند.

(خطبه ۱۵۴)

درباره ایجاد طاووس و ایجاد پرندگان:

خداوند آفرینش های شگفت انگیزی را انجام داده است ، از جمله افراد زنده ، بی جان ، ثابت و متحرک. وی برای قدرت خلاقیت خوب و توانایی خود چنین ادله روشنی را اثبات کرده است که ذهنها با تمجید از او تسلیم می شوند. خلقت او دلیل بر یگانگی اوست. او پرندگان با رنگها و اشکال گوناگون خلق کرده است که در گودالهای زمین ، دهانه های گردنه های بلند و قله های کوهها زندگی می کنند. آنها به اذن خدا پرواز می کنند. آنها در قسمت فضای باز با بالهای خود بال می زنند. خداوند آنها را از عدم به وجود می آورد. (او به برخی از آنها) اشکال عجیب و غریب داد ، و استخوان ها و مفاصل آنها را فرم داد و آنها را با گوشت پوشاند. وی به دلیل سنگین بودن بدن مانع پرواز آسان بعضی از آنها در آسمان شد و به آنها اجازه داد فقط از زمین نزدیک به بال خود استفاده کنند. او آنها را با قدرت و خلاقیت نفیس خود در رنگ های مختلف قرار داده است.

شگفت آورترین آنها ایجاد طاووس است. خداوند نر آن را به متقارن ترین شکل آفرید ، رنگهای متنوعی به آن داد و آنها را در طراحی جذاب قرار داد. دم آن (به طور غیر معمول) بلند است. وقتی به ماده نزدیک است ، دم تا خورده خود را پهن کرده و آن را بالا می برد تا سایه ای روی سر خود ایجاد کند ، مثل اینکه بادبان قایق باشد. با حرکاتش به دم رنگارنگ خود احساس غرور می کند.

من همه اینها را از مشاهده (خودم) به شما می گویم. تصور می کنید پره های آن میله هایی از نقره و دایره های فوق العاده و طرح آفتابی روی آن از طلای خالص و زمرد سبز باشد. آنها شبیه یک دسته گل هستند. اگر آنها را به زیور آلات تشبیه کنید ، آن ها مانند گوهرهایی با رنگ های مختلف هستند که نقره ای پر شده اند.

طاووس با غرور راه می رود ، و دم و بالهای خود را باز می کند ، زیبایی و رنگ های خود را تحسین می کند. روی تاج سر آن دسته ای از پره های رنگارنگ سبز قرار دارد.

گردن آن به شکل جام شروع می شود و کَشش تا شکم آن به صورت رنگ موی یمن است ، یا مانند پارچه ابریشمی است که روی آینه صیقلی قرار می گیرد و به نظر می رسد با حجاب سیاه پوشانده شده است. به دلیل درخشش بیش از حد و روشنایی بیش از حد ، به نظر می رسد که یک رنگ سبز شاداب با آن مخلوط شده است. در امتداد دهانه گوشهای آن ، یک خط از رنگ درخشان گل مروارید مانند انتهای نازک قلم وجود دارد. سفیدی به پس زمینه سیاه می تابد. به سختی رنگی وجود دارد که آن را نداشته باشد ، سطح آن جلا داده شده و ظاهر آن روشن و ابریشمی است. بنابراین مانند شکوفه های پراکنده ای است که توسط باران های بهار یا آفتاب تابستان چاشنی نشده اند. با این حال ، هنگامی که نگاه خود را به پاهای خود بیندازد ، گریه می کند ، و غم و اندوه خود را نشان می دهد ، زیرا پاهای آن مانند پاهای خروس های نژاد متقابل هند و ایرانی نازک است.

همچنین پر و بال خود را می ریزد و لباس خود را می پوشد. همه آنها می ریزند اما دوباره رشد می کنند. آنها مانند ریزش برگ از شاخه ها از بین می روند و سپس رشد می کنند تا زمانی که دوباره به حالتی که قبل از ریزش آنها وجود داشت برگردند. رنگ های جدید با موارد قبلی مطابقت دارد و همه رنگ ها مانند رنگ اصلی بازیابی می شوند. اگر پر آن را به دقت بررسی کنید ، مانند گل رز قرمز به نظر می رسد که با سبز زمرد و سپس زرد طلایی احاطه شده است.

(خطبه ۱۶۴)

آفرینش ملخ:

خدا به ملخ دو چشم قرمز با دو مردمک ماه مانند داد ، به آن گوش های ریز داد ، دهانش را مد کرد ، دو دندان برای برش به آن داد و دو داس مانند ماسه مانند داشت تا با آنها چنگ بزند. کشاورزان از ملخ برای محصولات خود می ترسند ، زیرا به مزارع

(معمولاً به تعداد زیاد) حمله میکنند. آنها علیرغم کوچک بودن شان ، محصول را از بین می برند. کشاورزان معمولاً قادر به راندن آنها نیستند.

(خطبه ۱۸۴)

بخش دوم:

(راهنمایی برای داشتن یک زندگی خداآگاهانه)

مشاوره حضرت به پسرش برای داشتن یک زندگی موفق

عدالت ، بی عدالتی و ظلم

حقوق دیگران

مهربانی ، حسن نیت و رفتار خوب با

فضیلت ، پرهیز و خصوصیات یک مؤمن

تقوا

مشاوره برای زندگی موفق به پسرش

(بخش‌هایی از نامه شماره ۳۱)

مقدمه: گزیده‌های زیر از توصیه‌های عمیق امام علی (ع) به پسرش است. این توصیه بسیاری از جنبه‌های زندگی، رابطه با خدا، روش ذکر با خدا، رفتار با دیگران (تأکید بر خانواده، همسایگان، دوستان، حتی دشمنان) و آماده شدن برای زندگی در آخرت را شامل می‌شود. شخصیت بی‌عیب و نقص حضرت علی، تعالی معنوی، رابطه با خدا، مبارزه برای عدالت و درس‌های سخت زندگی او از این توصیه‌ها مشهود است. او هر بیت از آنچه را که تبلیغ می‌کرد، تمرین می‌کرد. این سند قطعاً تأثیر عمیقی بر خواننده خواهد گذاشت.

اهمیت هوشیاری نسبت به خدا:

پسرم، اولین و مهمترین توصیه من به تو این است که خدا آگاه باشی. بنده مطیع او باشی. فکر او را همیشه در ذهن خود تازه نگه داری. به مبانی اسلام (تسلیم در برابر خدا) که شما را با خدا مرتبط می‌کند، پیوسته و محتاط باشی. آیا ارتباط دیگری می‌تواند مستحکم‌تر، با دوام‌تر و پایدارتر از این باشد تا بتوانید احترام و ملاحظه بیشتری از جانب خدا را صادر کنید؟

پندها و نصایح خوب را بپذیرید و ذهن خود را با آنها تازه کنید. تقوا را بپذیرید و با کمک آن بر خواسته‌های بیش از حد خود غلبه کنید. شخصیت خود را با کمک ایمان واقعی با دین و خدا بسازید.

از آنجا که شما یک جوان نجیب، فاضل و با تقوا هستید، اطمینان دارم که هدایت الهی و شادمانی را دریافت خواهید کرد. من اعتقاد راسخ دارم که خدا به شما کمک می‌کند تا به اهداف خود در زندگی برسید. من از شما می‌خواهم که به خود قول دهید که به دقت از توصیه‌های من پیروی کنید.

خالق همچنين نابود کننده است. کسی که نابود کند این قدرت را دارد که همه چیز را دوباره به وجود بیاورد. کسی که مصیبت می فرستد همچنين قدرت محافظت از شما در برابر آن را دارد.

مصیبت ها

به یاد داشته باش ، پسر من ، اگر غير از خدای یگانه خدای دیگری وجود داشته باشد ، او (دیگری) پیامبران خود را نیز می فرستاده است ، و آنها به انسان و دامنه و جلال خدای دیگر اشاره می کرده اند. چنین چیزی اتفاق نیفتاده است. او خدای یگانه واقعی است که همه باید او را تصدیق و پرستش کنند. او این موضوع را خود (در قرآن) توضیح داده است. هیچ کس در حوزه قدرت و جلال او با او شریک نیست. او ابدی است ، او همیشه چنین بوده است و همیشه باید به همین ترتیب باقی بماند.

او قبل از پیدایش جهان وجود داشته است. وجود او بدون آغاز است. او باقی خواهد ماند وقتی که هر چیز دیگری (در خلقت خود) از بین برود. وجود او بی پایان است. جلال خدا و وجود او برجسته ، متعالی و غیرقابل مقایسه هستند. او فراتر از توان عقل (انسان) است. هیچ کس توانایی درک یا تجسم خدا را ندارد.

هنگامی که این حقایق را پذیرفتید ، پس رفتار شما باید مانند شخصی باشد که متوجه شود مقام ، قدرت و موقعیت خود در مقایسه با پروردگار چیزی نیست. شما می خواهید کسی باشید که می خواهد از طریق دعا و اطاعت نعمت خود را بدست آورد ، کسی که از خشم و مجازات او می ترسد و کاملاً به کمک و محافظت او نیاز دارد. بخاطر بسپار ، پسر من ، خدا به تو دستور نداده است جز آنچه را که خوب است و نیکی را تبلیغ می کند ، انجام دهد و تو را از هیچ چیزی منع نکرده است جز آنچه بد است و نتایج بدی به همراه خواهد داشت.

به یاد داشته باش ، پسرم ، بهترین توصیه من به تو این است که (تقوا)خدا را آگاه باشی ، وظایفی را که خدا بر عهده تو گذاشته است ، و پیروی از نیاکان و خویشاوندان (نجیب و پارسا) خود باش. به راستی ، آنها افکار و اعمال خود را به دقت ارزیابی کردند و قبل از گفتن هر چیزی یا قبل از اقدامی با دقت ارزیابی کردند. من به شما توصیه می کنم از آنها الگو بگیرید.

چگونه برای نیازهای خود به درگاه خداوند دعا کنیم:

به جز خدا از کسی کمک و محافظت نخواهید. دعاها ، درخواست ها و تقاضاهای خود را فقط از خدا بخواهید ، زیرا تنها در قدرت او استتکاف ، محروم کردن و انکار دروغ است.

بنابراین ، بهترین کار برای شما این است که از کسی که شما را آفریده است ، شما را نگه می دارد و تغذیه می کند ، که به شما یک ذهن متعادل و یک بدن معمول کار می کند ، راهنمایی بخواهید. دعاوی شما باید فقط به او اختصاص داشته باشد ، درخواستها و درخواستهای شما فقط به او اختصاص دارد و فقط باید از او بترسید.

پسرم ، این حقیقت را دریاب ، که پروردگار ، صاحب و نگهدارنده گنجینه های آسمان و زمین ، به تو اجازه داده است که آنها را بخواهی و آنها را یاد کنی ، و او قول داده که دعای تو را برآورده کند. او به شما گفت که برای نعمتهای او دعا کنید ، تا آنها را به شما عطا کند ، و نعمتهای او را بخواهید ، تا آنها را به شما ارزانی دارد. خداوند نگهبانانی تعیین نکرده است که دعای شما به او نرسد و همچنین نیازی نیست کسی از طرف شما شفاعت کند.

هر وقت او را صدا کردید شما را می شنود و هر زمان که او را دعا کنید دعای شما را می پذیرد. از خدا بخواهید که آرزوی قلبتان را به شما ارزانی دارد ، اسرار قلب خود را در برابر او قرار دهید ، در مورد تمام بلاهایی که بر شما وارد شده ، از سختیهای پیش

رویتان بگویید و برای غلبه بر آنها از او کمک بگیرید. در همه دشواری ها و پریشانی ها از یاری و پشتیبانی خدا استفاده کنید.

بخاطر بسپارید که اندکی که از طرف خداوند به شما اعطا می شود برای شما مفیدتر ، شرافتمندانه و قابل احترام خواهد بود تا آنچه که به وفور از طرف انسان اعطا می شود. یک انسان چه چیزی می تواند به شما بدهد ، جز آنچه تنها از طرف خداست؟

ممکن است از خدا بخواهید که به شما عمر طولانی و سلامتی عطا کند. شما ممکن است از او برای سعادت دعا کنید. شما ممکن است چنان لطف و بخشش هایی از او بخواهید که هیچ کس جز او قادر به اعطای آن نباشد.

به این فکر کنید که او به راحتی با اعطای این امتیاز که به او دعای خیر و مهربانی کنید ، کلیدهای گنجینه های خود را به شما تحویل داده است. هر وقت محتاج شدید ، باید دعا کنید ، و او نعمت ها و برکات خود را به شما ارزانی خواهد داشت. بعضی اوقات متوجه می شوید که درخواستهای شما بلافاصله پذیرفته نمی شود ، اما لازم نیست ناامید شوید ، زیرا اعطای نیاز اغلب با هدف و قصد واقعی سالک است. گاهی اوقات نیاز به تأخیر می افتد زیرا پروردگار مهربان می خواهد پاداش های بیشتری را به خاطر تحمل صبر و مصیبت و مصائب دریافت کنید تا همچنان صادقانه به (دریافت) کمک او ایمان داشته باشید. بنابراین ، ممکن است به شما لطف بیشتری نسبت به آنچه درخواست کرده اید ، تعلق بگیرد.

گاهی اوقات دعای شما رد می شود؛ این ممکن است به نفع شما باشد ، زیرا شما غالباً ندانسته مواردی را که برای شما مضر است درخواست می کنید. اگر درخواست های شما پذیرفته شود ، ضرر شما بیشتر از سود شما خواهد بود و بسیاری از درخواست های شما ممکن است به گونه ای باشد که در صورت پاسخ به لعنت ابدی شما منجر شود. بنابراین ، امتناع از پاسخگویی به درخواست های شما یک نعمت است. بنابراین ، باید در طلب لطف های خداوند بسیار مراقب باشید. برای چنین

چیزهایی که برای شما مفید است دعا کنید. پسر عزیزم به یاد داشته باش که ثروت و قدرت (اگر برای آنها دعا کنی) مواردی است که همیشه با تو نمی ماند و ممکن است در زندگی آخرت به تو آسیب برسانند.

پسرم ، بدان که نمی توانی هر آرزوی خود را برآورده کنی. نمی توانی انتظار فرار از مرگ را داشته باشی. بنابراین ، در انتظارات ، خواسته ها و هوس های خود واقع بین باشی. در درخواست ها منطقی (و واقع بینانه) باشی.

فضایل صبر:

فضیلت صبر را در برابر رنج ها و مصیبت ها افزایش دهید. صبر یکی از عالی ترین اشکال اخلاقی شریف است و بهترین ویژگی است که می توان به دست آورد. به خدا توکل کنید و در هر مصیبت و رنجی صبر پیشه کنید، زیرا بدین وسیله خود و امور خود را به بهترین امین و قوی ترین نگهبان می سپارید.

زندگی در این جهان:

کسانی که زندگی این جهان را با دقت برانداز کرده اند ، روزهای خود را چنان سپری می کنند که گویی می دانند مسافرانی هستند که در اینجا مجبور به ترک مکانی رنج بار، ناخوشایند و (غالباً) غیر دوستانه هستند. آنها می دانند که باید به سمت سرزمینهای (دنیای بعدی) که حاصلخیز همسایگان است ، جایی که مواد غذایی ، راحتی و لذت فراوان وجود دارد ، پیش روند. آنها با اشتیاق سفر را آغاز کرده اند. آنها احساس خوشبختی می کنند ، امید به برکت آینده و صلح (ابدی) را گرامی می دارند. آنها با کمال میل رنج ها ، مشکلات و خطرات موجود در این دنیا ، فراق با دوستان ، کمبود غذا و کمبود راحتی در طول سفر (در این دنیا) را پذیرفته اند تا به مقصد (بهشت) ، مکانی شاد برسند. آنها از تحمل سختی ها ناراحت نیستند و از صدقه دادن و کمک به فقرا و نیازمندان پشیمان نمیشند.

هر قدمی که به سمت هدف خود بردارند ، هرچند که خسته کننده و طاقت فرسا باشد ، یک اتفاق خوشایند در زندگی آنها است.

برعکس ، افرادی که به این دنیا وابسته اند متأسفانه در لذت های کوتاه مدت ، سریع محو و در فساد آن غوطه ور می شوند. آنها مانند مسافرانی هستند که در منطقه ای حاصلخیز و شاد هستند و می دانند سفری که باید انجام دهند آنها را به سرزمینی خشک و نابارور رهنمون خواهد ساخت. آیا چیزی می تواند نفرت انگیزتر از سفر آنها باشد؟

هیچ چیز در این دنیا (واقعاً) برای شما مفید نیست ، مگر اینکه در دنیای بعدی از کاربرد و ارزشی برخوردار باشد. اگر از چیزهایی که در این دنیا از دست داده اید ابراز ناراحتی می کنید ، پس نگران از دست دادن چیزهایی باشید که از مزایای ابدی (در آخرت) برخوردار هستند. گذشته شما و بیشتر آنچه در اختیار داشتید ، از شما دور شده است. تمام آنچه که در حال حاضر در اختیار شما است نیز (با مرگ شما) شما را ترک خواهد کرد.

سرنوشت بشریت:

روح رام نشده (خواسته های بی بند و باری قلب) خود را با چشم انداز (یعنی فکر) مرگ تسلیم کنید. آنرا به یاد ذات گذرای زندگی و همه تله های آن بیندازد. به خود طبیعی خود اجازه دهید اجتناب ناپذیر بودن (برخورد) با بدبختی ها ، ناملایمات ، تغییر شرایط و تغییر اوقات را درک کند. زندگی افراد گذشته را مطالعه کنید. شهرهای ویران شده ، کاخ های فرسوده ، تابلوهای در حال خرابی ، آثار امپراطوری های سقوط کرده و ملت های نابود شده را مشاهده کنید. سپس در مورد زندگی آن افراد مراقبه کنید ، در مورد اینکه آنها در زمان زنده بودن و در دست داشتن قدرت چه کردند ، چه موفقیت هایی را به دست آوردند و چه سهم آنها در رفاه انسان ها بود.

اگر به دقت در مورد اینها تأمل کنید ، می فهمید که هر یک از آن افراد از دیگران جدا شده و همه چیزهایی را که دوست داشتند ، پشت سر گذاشتند و اکنون او در یک منزل (قبر) منزوی است. بنابراین ، (درک کنید که) شما نیز به روشی مشابه (از این دنیا) خواهید رفت.

مراقبت کنید تا اقامتگاه آینده خود را تأمین کنید. نعمتهای ابدی را برای لذتهای گذرای این دنیای فانی مبادله نکنید.

درباره مواردی که نمی دانید صحبت نکنید. در مورد موضوعاتی که نمی توانید در مورد آنها تصمیم گیری کنید ، حدس بزنید یا در مورد آنها حکم صادر کنید ، خصوصاً وقتی که هیچ کس از شما نظر نخواست است. در جایی که احتمال گمراهی شما وجود دارد ، از این پیگیری دست بکشید. هنگامی که خطر سرگردانی در بیابان ناآگاهی و احتمال از دست دادن هدف شما وجود دارد ، بهتر است شما از تلاش برای کنار آمدن با خطرات پیش بینی نشده (با از دست دادن مسیر مستقیم) دست بکشید.

از آرمان خدا دفاع کنید:

از آرمان خدا دفاع کنید. هنگام دفاع از آرمان خدا ، نترسید که مردم شما را مسخره کنند ، اعمال شما را مورد سانسور قرار دهند و یا حتی به شما تهمت بزنند. از حق و عدالت بدون ترس و جسارت کمک کنید (و از آن دفاع کنید). متحمل صبر و تحمل مصائب پیش آمده باشید و با شجاعت با موانعی که بر سر راه شما قرار دارند روبرو شوید سعی کنید به فقه و کلام کاملاً مسلط باشید و شناخت کاملی از قوانین دین داشته باشید.

معاملات شما با دیگران:

هرچه برای خود دوست دارید ، همان را برای دیگران دوست بدارید. هرچه دوست ندارید برای شما اتفاق بیفتد ، دیگران را از چنین اتفاقاتی در امان نگه دارید. به کسی

ظلم و استبداد نکنید ، زیرا مطمئناً دوست ندارید مورد ظلم و ستم قرار بگیرید. با دیگران مهربان و دلسوز باشید ، همانطور که می خواهید دیگران با شما رفتار کنند. اگر در دیگران عادت های قابل اعتراض و نفرت انگیزی مشاهده کردید ، از ایجاد این عادت ها در خود خودداری کنید. اگر از دریافت نوع خاصی از درمان از دیگران احساس خوشبختی و رضایت دارید ، پس با دیگران نیز به همین روش رفتار کنید. در مورد دیگران طوری صحبت نکنید که دوست نداشته باشید دیگران در مورد شما صحبت کنند. از رسوائی و افترا پرهیز کنید ، زیرا دوست ندارید خود را رسوا کنید.

غرور یک حماقت است که آسیب می رساند:

به یاد داشته باش ، پسر ، پوچی و غرور احمقانه است. این صفات آسیب جدی به شما وارد می کنند و سلامتی شما را به خطر می اندازند. بنابراین ، یک زندگی متعادل داشته باشید (یعنی نه مغرور باشید و نه از عقده حقارت رنج ببرید) و برای تأمین هزینه های زندگی صادقانه تلاش کنید. برای دیگران "خزانه دار" نباشید [توجه: این یک تشبیه مناسب از شخص بخیل است که ثروت را اندوخته و می میرد ، ثروت خود را پشت سر می گذارد تا دیگران از آن لذت ببرند]. هرگاه از جانب پروردگار برای رسیدن به چیزی که می خواهید راهنمایی می خواهید ، پس از نعمت خود مغرور نشوید ، بلکه فرومایه و مطیع خدا باشید ، زیرا می دانید که موفقیت شما از رحمت او بوده است.

در هنگام توانایی انفاق کنید:

به یاد داشته باشید که خیرات و کارهای نیک شما مانند وام هایی (به خدا) است که او به شما در دنیا و بسیار در آخرت بازپرداخت می کند. بنابراین ، هنگامی که متمول و صاحب قدرت هستید ، از ثروت و قدرت خود به گونه ای استفاده کنید که در قیامت ، هنگامی که نیازمند و درمانده باشید ، به شما بازگردانده شود. معلوم است پسر ، گذر تو (از این جهان به جهان بعدی) از طریق یک دره مخوف ، یک سفر بسیار دشوار و طاقت فرسا انجام می شود.

در این سفر ، یک مرد (مسافر) با وزن کمتر (یعنی گناهان و مسئولیت های کمتر) بسیار بهتر از آن است که یک فرد بیش از حد سنگین (با گناهان و درآمد غیر صادقانه) باشد. اولی می تواند سریعتر و راحت تر از دومی سفر کند. باید از این دره عبور کنید. سفر شما را به بهشت یا جهنم می برد. بنابراین ، عاقلانه است که پیش از این مایحتاج خود را ارسال کنید ، تا پیش از شما به آنجا (به بهشت) برسد. قبل از ورود مقدمات رزرو و مقدمات اقامت خود را انجام دهید ، زیرا بعد از مرگ ، احتمال شانس دوم برای جبران اشتباهات وجود ندارد.

اگر در سفر به روز قیامت افراد فقیر و نیازمندی را پیدا می کنید که حاضرند بار شما را حمل کنند (یعنی دریافت کنندگان ثروت یکبار مصرف شما که در امور خیریه به شما داده می شود) ، پس این امر را یک برکت بدانید. بنابراین ، خود را از مسئولیت سنگین ارائه حساب در روز قیامت درباره چگونگی استفاده از نعمت های خداوند (یعنی سلامتی ، ثروت ، قدرت و موقعیت) خلاص کنید.

اهمیت عزت نفس:

از راه دقیق صادقانه امرار معاش کنید و به چنین درآمدی بسنده کنید. اجازه ندهید خواسته های شما، شما را به گونه ای سوق دهد که با ناامیدی و ضرر روبرو شوید. به یاد داشته باشید که هرکسی که (از خدا) چیزی را تقاضا کند همیشه آن را دریافت نمی کند. کسی که خواسته های خود را کنترل کند از احترام به خود محافظت می کند. در بعضی مواقع ، ممکن است خواسته های قلبتان را با استفاده از وسیله ای که باعث می شود عزت نفس خود را از دست بدهید ، تأمین کنید ، اما هیچ چیز در این دنیا نمی تواند از دست دادن عزت نفس ، اشراف و افتخار را جبران کند.

پسرم مواظبت کن و مواظب باش که خودت را برده (مطیع) شخص دیگری قرار ندهی. خداوند شما را یک انسان آزاده آفریده است. آزادی خود را در ازای هیچ چیز

(این دنیا) مبادله نکنید. در ثروت و قدرتی که به طور نامناسب بدست آمده هیچ خیری وجود ندارد.

طمع منجر به نابودی می شود:

پسرم مواظب باش ، تا بخل و حرص تو را به سمت نابودی و لعنت سوق ندهد. هیچ کس جز خدا را خیرخواه خود قرار ندهید.

تمام تلاش خود را برای رسیدن به این اشراف انجام دهید ، زیرا خدا به شما کمک خواهد کرد (از نعمت ها) چه دیگران به شما کمک کنند یا نه.

محافظت از داشته های خود و صرفه اقتصادی بهتر از این است که از دیگران بخواهید. تلخی فقر در واقع بهتر از رسوایی گدایی است. غالباً ، یک فرد سعی می کند چیزی را بدست آورد که اثبات می کند هنگام دستیابی به آن مضر است.

با خانواده خود به خوبی رفتار کنید:

با اعضای خانواده خود بدرفتاری نکنید و مانند آنها "بی رحمانه ترین فرد زنده" رفتار نکنید. به دنبال شخصی که سعی می کند از شما جلوگیری کند ، بدوید.

بزرگترین دستاورد شخصیت شما این است که با وجود خصومت برادران ، همچنان به او دوستی نشان می دهید. به برادر خود نیکی کنید ، حتی اگر او متمایل به آسیب رساندن به شما باشد. هنگامی که او خویشاوندی (با شما) را نادیده می گیرد یا از آن خودداری می کند ، سعی کنید با او دوست شوید ، در صورت نیاز به او کمک کنید و سعی کنید رابطه خود را حفظ کنید. اگر او با شما با خساست رفتار کرد و از کمک به شما امتناع ورزید ، با او سخاوت داشته باشید و از لحاظ مالی (در نیاز او) از او حمایت کنید. اگر او باعث ناراحتی یا آزار شما شد ، در عوض با او مهربانی و ملاحظه رفتار کنید. اگر کسی به شما آسیب رساند ، بهانه های او را بپذیرید. با او طوری رفتار کنید که گویی او خیرخواه است و شما ذی نفع او هستید.

مراقب باشید که این کار را به صورت نامناسب و هنگام برخورد با کسانی که لیاقتش را ندارند انجام دهید.

با اعضای خانواده خود با عشق و احترام رفتار کنید ، زیرا "آنها بالهایی هستند که شما با آنها پرواز می کنید و دستهایی هستند که از شما حمایت می کنند و از شما دفاع می کنند." آنها افرادی هستند که وقتی دچار مشکل می شوید و به آنها احتیاج دارید، به شما کمک می کنند.

با ملاحظه با دشمن خود برخورد کنید:

نسبت به دشمن خود مراقب باشید ، زیرا به شما اجازه می دهد (از نظر اخلاقی) از او بالاتر بروید و یا از شدت خصومت او می کاهد.

اگر می خواهید با دوست خود رابطه خود را قطع کنید ، رابطه با آنها را به طور کامل قطع نکنید ، زیرا ممکن است بعداً بخواهید آن را جبران کنید.

چگونه با ظلم مقابله کنیم:

اگر شما یک قربانی ظلم هستید ، اجازه ندهید بیش از حد شما را نگران کند ، زیرا یک ستمگر در واقع برای خود آسیب می رساند ، و راههای سود (معنوی) را برای شما باز می کند.

مرواریدهای خرد و راهنمایی برای پسرش:

- فرد معقول به نصیحت توجه می کند و از آن بهره می برد. مانند شخصی نباشید که نصیحت در او تأثیری نداشته باشد.
- جانوران کسانی هستند که برای پیروی از آنها به اجبار نیاز دارند.
- با صبر ، و با ایمان به پروردگار مهربان ، بر غم ها ، نگرانی ها و بدبختی ها غلبه کنید.

- کسی که راه مستقیم را رها کند (از فضیلت چشم پوشی کند) بدین ترتیب صداقت و تفکر منطقی را از دست می دهد و در نتیجه به خود آسیب می رساند.
- دوست واقعی کسی است که پشت سر شما بخوبی صحبت کند.
- آرزوهای زیاد منجر به بدبختی می شود.
- هرکس حقیقت را رها کند زندگی خود را فشرده و پریشان می کند.
- صداقت و قناعت دارایی هایی هستند که اعتبار و منزلت را به ارمغان می آورند.
- محکم ترین رابطه، رابطه ای است که بین خدا و آنچه و دوست می دارد پرورش یابد.
- شخصی که به شما اهمیتی نمی دهد دشمن شماست.
- اگر در رسیدن به هدفی احتمال مرگ یا صدمه وجود دارد ، عدم رعایت آن ایمنی است.
- در مورد نقاط ضعف و نقص (دیگران) صحبت نکنید.
- فرصت ها دیگر تکرار نمی شوند.
- در بعضی مواقع ، خردمندان در رسیدن به هدف خود ناکام می مانند ، در حالی که عاقلان قادر به این کار هستند.
- پرهیز از افراد نادان مانند ارتباط با خردمندان است.
- هرکس به این دنیا اعتماد کند خیانت میبندد و هرکس به آن اهمیت دهد رسوا میشود.
- قبل از خرید خانه ، از همسایگان خود مراقبت کنید.
- از موضوعات مسخره در مکالمه خود پرهیزید ، حتی اگر دیگران را نقل قول می کنید.

- شخصی را که نظر خوبی در مورد شما دارد ، مأیوس نکنید. اجازه ندهید که نظر خود را تغییر دهد.
- از طریق امیدهای غیر منطقی ، نامعقول و اسراف رفاه خود را به خطر نیندازید.
- امیدهای بیهوده دارایی احمقان است.
- فریب چاپلوسی را نخورید.
- معاش دو نوع است: یکی که دنبال آن می روید و دیگری که شما را تعقیب می کند. خداوند مورد آخر را برای شما مقدر کرده است و حتی اگر دنبال آن نباشید، آن به شما می رسد.
- با دشمن دوست خود دوست نشوید که مبدا دوست شما دشمن شما شود.
- خرد در یادآوری تجربیات گذشته و بهره مندی از آنها نهفته است.
- بهترین تجربه همان تجربه ای است که بهترین مشاوره را ارائه می دهد و احتیاط را آموزش می دهد.
- قبل از دست دادن فرصت ها از آنها استفاده کنید.
- هرکسی تلاش کند موفق می شود.
- پس از عزیمت از این دنیا ، کسی بر نمی گردد.
- بدترین حماقت اتلاف فرصت ها (انجام کار خوب) در این زندگی و از دست دادن راه نجات است.
- مطیع بودن و التماس کردن در هنگام نیاز ، و مغرور و ظالم بودن در هنگام ثروتمندی و قدرتمندی ، از زشت ترین صفات شخصیت انسان است.
- هرگز با شخصی که به شما نیکی کرده بدرفتاری کنید.

به یاد داشته باشید ، خود را با تعهدات بیش از حد سنگین نکنید (یعنی بیش از حد خود را متعهد نکنید) ، تا شاید نتوانید آنها را به طور افتخاری انجام دهید.

سخنان نهایی در نامه:

پسر عزیزم! پس از دادن این توصیه ها به شما ، شما را به پروردگار می سپارم. او شما را در دنیا و در آخرت یاری می کند ، راهنمایی می کند و از شما محافظت می کند. از او می خواهم که شما را در هر دو جهان تحت حمایت خود قرار دهد.

عدالت ، بی عدالتی و ظلم

یکی از زیباترین نام های خدا العدل، "عادل" است. مفهوم عدالت (عدل) در ایمان مومن مهم است ، زیرا خداوند عادل است و عدالت را از ما می خواهد. کسانی که نسبت به هم نوعان خود ظلم می کنند و بدون توبه می میرند ، در روز قیامت بار سنگینی بر دوش خواهند کشید. حضرت علی (ع) بالاترین موازین عدالت را اعمال می کرد. وی به زیردستان ، فرمانداران ، باجگیران و نیروهای مسلح توصیه کرد که بالاترین استانداردهای عدالت را رعایت کنند و در برابر رفتارهای ناعادلانه تحمل صفر نشان دهند. در بخشهای بعدی ، حضرت علی به زیبایی ، عدالت را با تہذیب نفس ، تعالی معنوی و خشنودی خداوند گره می زند.

خدا نسبت به مخلوقاتش عادل است:

مطمئنأ خداوند نسبت به مخلوقات خود ظلم نمی کند.

(خطبه ۱۷۷)

خداوند بسیار منصف است:

او بیش از این بزرگ است که در برابر مخلوقاتش ظلم نمی‌کند. او در خلقت خود با عدالت سر و کار دارد و در دستورات اوست

(خطبه ۱۸۴)

عدالت خدا برای فقیر و ثروتمند است:

او امرار معاش را با کمال مقرر کرد. او آن را کم و زیاد و سخاوتمندانه توزیع کرد. او این کار را با عدالت انجام داد تا هرکسی را که می‌خواهد با سعادت یا با بیچارگی آزمایش کند و قدرشناسی و استقامت ثروتمندان و همچنین فقرا را آزمایش کند. عدالت او به همه آنها کشیده می‌شود و فضل او علی‌رغم کمبودهایی که دارد، آنها را در بر می‌گیرد.

(خطبه ۹۰)

وقتی کسی از حضرت علی سهم اضافی پول از خزانه عمومی خواست، ایشان این پاسخ را دادند: آیا به من دستور می‌دهی که به کسانی که من بر آنها (برای اداره) منصوب شده‌ام ظلم کنم؟ به خدا قسم، من این کار را انجام نمی‌دهم، تا زمانی که زمین زنده بماند، و تا زمانی که ستاره‌ها باقی بمانند. حتی اگر این اموال (شخصی) من بود، من آن را به طور مساوی بین آنها توزیع می‌کردم، به ویژه هنگامی که این اموال متعلق به خدا باشد. برحذر بودن؛ مطمئناً، دادن ثروت به افراد ناشایست، اسراف و تجمل است. ممکن است اهدا کننده (در نظر مردم) در این جهان اوج بگیرد، اما جایگاه او را در دنیای بعدی (نزد خدا) پایین می‌آید. این ممکن است او را نزد مردم تکریم کند، اما در برابر خدا رسوا کند. اگر مردی اموال خود را به کسانی بدهد که حقی در آن ندارند، یا لیاقت آن را ندارند، خداوند او را (اهدا کننده) از شکرگذاری دریافت کنندگان محروم می‌کند. سپس، اگر او (خیرخواه) در روزهای

سختی قرار می گرفت و به کمک احتیاج داشت ، آنها (دریافت کنندگان غیر شایسته) احتمالاً رفقای ناشایست و دوستان نادان بودند.

(خطبه ۱۲۵)

توصیه امام علی (ع) برای پرهیز از پوچی ، افتخار کردن در عدالت و عمل نیک:

افتخار شما باید به دست آوردن ویژگی های خوب ، کارهای قابل ستایش و موارد قابل تحسین باشد.

شما باید به عاداتی ستودنی مانند کمک به همسایه ، تحقق قراردادها ، همراهی با نیکوکاران ، مخالفت با غرور ، گسترش سخاوت ، پرهیز از خونریزی ، اجرای عدالت ، کنترل خشم و پرهیز از ایجاد مشکل در زمین افتخار کنید.

(خطبه ۱۹۱)

در مورد انسان هایی که خداوند را مادام به خاطر می آورند، عدالت را تمرین میکنند، و دیگران را نیز به این اعمال دعوت می نمایند:

انسان هایی وجود دارند که یاد خداوند را در راس امور دنیوی شان قرار داده اند تا مبادا امور دنیوی آنها را غافل نماید. آنها زندگی شان را بدین شیوه میگذرانند. آنها با انسان های غافل صحبت میکنند، و آنها را نسبت به اموری که با قوانین خدا متناقض است هشیار می سازند. آنها از اجرای عدالت خوشنود بوده و به تمرین مداوم آن می پردازند و هنگامی که به اعمال ممنوعه میرسند، خود نیز از انجام آنها بازداری میکنند. (خطبه

ی ۲۲۰)

دستورالعمل‌های حضرت برای سربازان خود:

در انجام جنگ پیش قدم نباشید، اجازه دهید دشمن تان جنگ را آغاز نماید. هنگامی که شما در طرف حق و عدالت هستید، خداوند بسیار خوشنود است. دشمنان خود را به حال خود واگذارید تا جنگ را شروع کنند. شروع خصومت از سوی آنها، اثبات دیگری بر بر حق بودن شما خواهد بود. (نامه ی ۱۴)

نیایش حضرت هنگام برخورد با دشمن:

پروردگارا! اجازه بده تا حقیقت پیروز باشد؛ اجازه بده تا مردم به عدالت و بر حق بودن ما ایمان آورند. (نامه ی ۱۵)

نصایح حضرت در رابطه با امور دولتی:

اگر می‌توانید نسبت به خداوند در کارهایتان احترام، عشق و شکرگزاری قایل باشید، سپس دو باور را همیشه زنده نگاه دارید (بهشت و جهنم). میزان گرمی داشتن عشق، احترام و ستایش خداوند برای هر انسانی متناسب با میزان هوشیاری او نسبت به خداوند و تصویری است که از خداوند در ذهن انسان مانده است. همانا، هرکه به عدالت خداوند ایمان داشته باشد و از عذاب او بترسد، بهترین پاداش‌ها از جانب خداوند در انتظار اوست. (نامه ۲۷)

توصیه‌هایی به فرزندان:

هنگامی که به اثبات خداوند می‌پردازید، از مورد تمسخر قرار گرفتن توسط مردم، و قضاوت شدن و مورد تهمت قرار گرفتن نگران نباشید. بلکه باید با قدرت بیشتر و بدون ترس به اثبات عدالت و حقیقت بپردازید. صبورانه دردها را تحمل کنید؛ شجاعانه با مشکلاتی که بر سر راه تان می‌آیند مقابله کنید. هرکجا دلایل حاکم بر عدالت و حقیقت را یافتید، از آن حمایت کنید. (نامه ۳۱)

بخشی از نامه ای مشمول بر توصیه هایی به فرمانداران خود:

همواره به یاد داشته باش: همیشه با آنها با همدلی، مهربانی، احترام و با خوشحالی رفتار کنید. هنگامی که با مردم از درجات مختلف برخورد میکنید، شامل غنی یا فقیر، بزرگ و یا کوچک، باید عادلانه رفتار نمایید گویی فرقی با یکدیگر ندارند در اینصورت مهم ترین شخص در استان تحت فرمانروایی شما هیچ انتظاری برای رفتاری والاتر نخواهد داشت و افراد پایین تر از مهربانی و عدالت شما بی نصیب نخواهند ماند. اگر عدالت و مساوات را در نظر نگیرید، مطمئناً یک مستبد و ستمگر تلقی خواهید شد. به یاد داشته باشید که هیچ چیز نمیتواند ظلم و ستم را جبران کند. (نامه های ۴۶، ۵۳ و ۵۹)

نصایح امام در مورد مالیات دهندگان:

با مالیات دهندگان با مساوات و عدالت رفتار کنید؛ با مهربانی و صبوری به خواسته های آنان گوش بسپارید زیرا شما نماینده ی مردم هستید و نمایندگان اقتدار شما را نشان می دهند. (نامه ۵۱)

یکی از سخنان امام:

هنگامی که از امام علی (ع) در مورد ایمان سوال شد، فرمودند که چهار اصل نشان دهنده ی ایمان هستند: شکیبایی، عقیده، عدالت و جهاد.

عدالت دارای چهار جنبه است: عمق ادراک، ژرف بودن دانش، انصاف در قضاوت و روشنی ذهن. زیرا هرکسی که تلاش در فهم یک مسئله دارد، باید در مورد آن مطالعه کند، آن را شفاف سازی کند، فکر کند و تصمیم صحیح را اتخاذ کند. هرکس تلاش در دستیابی به هدف داشته باشد، باید صبر و تحمل کافی داشته باشد. هرکس چنین نماید، عدالت را در راه دین در نظر گرفته است و دارای زندگی خوبی خواهد بود.

مادامی که عدالت و مساوات برای شما با اهمیت باشند، رفتارتان با همه افراد نیز باید منصفانه و عادلانه باشد. (سخنان ۳۱)

عدم عدالت و ظلم

بی عدالتی سه نوع است: (۱) بی عدالتی که خداوند آن را نخواهد بخشید. (۲) بی عدالتی که بدون تردید باقی نخواهد ماند (۳) بی عدالتی که ممکن است بخشیده شود بدون اینکه مورد بازپرسی قرار بگیرد. بی عدالتی که بخشیده نخواهد شد، پیوستن به خدایان دیگر و مشرک شدن است. خداوند می فرماید: همانا، خداوند آنچه که برای او شریک قرار می‌دهید را نخواهد بخشید.

(قرآن. ۴:۴۸، ۱۱۶)

بی عدالتی که بخشیده خواهد شد آن است که انسان همراه با ارتکاب شدن به گناهان کوچک در حق خود انجام می دهد، حال آنکه بی عدالتی که مورد بازپرس قرار خواهد گرفت آن است که در حق دیگران انجام بشود و مجازات در چنین مواردی ممکن است بیشتر باشد.

ای مردم، خوشا به حال کسی که کاستی های خودش او را از پرداختن به نواقص دیگران باز می دارد، کسی که روزی خود را از طریق حلال بدست می آورد، خود را به اطاعت از خدا مشغول می دارد، در توبه برای گناهان خود گریه می کند و مردم از او ایمن هستند. (خطبه ۱۷۵)

یک بی عدالتی بزرگ:

در جامعه ای متشکل از افرادی صادق، با فضیلت، و هوشیار، ایجاد یک نظر بد در مورد یکی از اعضای آن، هنگامی که در واقع هیچ مورد ناعادلانه ای در مورد او دیده نمیشود، برای او یک بی عدالتی بزرگ است.

حقوق دیگران

مقدمه: به رسمیت شناختن و احقاق حقوق دیگران نقشی اساسی در هر جامعه متمدن دارد. این عدالت، سعادت متقابل و صلح را تضمین می‌کند. اسلام بر حقوقی تأکید کرده است که در کتاب مقدس ذکر شده است. علاوه بر این، علی بن حسین، نوه بزرگ حضرت محمد (ص)، ۱۴۰۰ سال پیش کتابچه‌ای نوشت که به عنوان "رساله حقوق" شناخته می‌شود. این حقوق خداوند بر رعایای او، حقوق مردم بر خدا، حقوق والدین، فرزندان، همسایگان، همشهریان، حاکم و غیره را توصیف می‌کند. حدود پنجاه طبقه از حقوق توصیف شده است. در ادامه، حضرت علی (ع) به برخی از این حقوق پرداخته است.

حقوق خداوند متعال:

ای مردم، خدا را به یاد آورید، و (به یاد داشته باشید) که او در کتاب خود (قرآن) و حقوقی را که به شما سپرده است به شما سفارش کرده است به راستی که خداوند شما را بیهوده خلق نکرده است، نه شما را آزاد گذاشته است و نه شما را خودتان در نادانی رها کرده است.

(خطبه ۸۵)

برای احقاق حقوق واجب او (برای شهادت به یگانگی او، شریک ساختن شخص دیگری با او و تنها پرستش او) و (سپاسگزارش) بخاطر نعمت‌ها و تعهدات بی‌شمار او از خدا کمک بگیرید.

(خطبه ۹۸)

ما او را در همه امور ستایش می‌کنیم و برای احقاق حقوقش از او کمک می‌گیریم.

(خطبه ۹۹)

برای احقاق حقوق خدا:

با احقاق حقی که در کتاب خود (قرآن) به شما سفارش کرده است ، به خدا نزدیک شوید. او خواسته های خود را به وضوح از شما بیان کرده است . من شاهد هستم و از طرف شما در روز قیامت التماس می کنم.

(خطبه ۱۷۵)

درباره حقوق افراد:

و همچنین او (حاکم) نباید به ناحق با مال برخورد کند ، بنابراین گروهی را بر گروه دیگر ترجیح می دهد ، و همچنین هنگام تصمیم گیری نباید رشوه بپذیرد ، زیرا از حقوق (دیگران) سلب می کند.

(خطبه ۱۳۰)

احقاق حقوق دیگران:

به هر کسی که خداوند ثروت عطا کند ، باید از آن در گسترش نیکی به خویشاوندان خود ، خشنودی آنها ، آزاد کردن زنجیرزنان (فقر و جهل) ، کسانی که از بیماری رنج می برند ، در دادن فقیران و بدهکاران استفاده کند. و حتی برای تحقق حقوق (دیگران) سختی را تحمل می کنند. مطمئناً ، دستیابی به این خصوصیات ، اگر خدا بخواهد ، بزرگترین دستاورد در دنیا و وسیله تمایز در دنیای بعدی (آخرت) است.

(خطبه ۱۴۱)

وی توجه به مومنان (نیازهای مومنان) را از همه احترام ها بالاتر اعلام کرده است. او حقوق آنها را در همان درجه (از اهمیت) که از خود گذشتگی (نسبت به خود و یگانگی او) قرار داده است ، قرار داده است. بنابراین ، مومن کسی است که از زبان و

دست او در امر حقیقت ایمان دارد. بدرفتاری با یک مومن حلال نیست ، مگر در مواردی که قانون تعیین کرده باشد.

(خطبه ۱۶۶)

حقوق متقابل حاکم و زیر دستان:

بزرگترین حقوقی که خداوند سبحان واجب قرار داده است ، حق حاکم بر حاکم و حق حاکم بر زیردست است. این تعهدی است که خداوند سبحان به یکدیگر واگذار کرده است. او آن را مبنای محبت (متقابل) آنها و افتخاری برای دینشان قرار داده است. در نتیجه ، حکمرانی نمی تواند پیشرفت کند مگر اینکه حاکمان سالم باشند ، در حالی که حاکمان نمی توانند سالم باشند مگر اینکه حاکم ثابت قدم باشند.

(خطبه ۲۱۵)

حاکمانی که حقوق مردم را انکار کردند:

به راستی ، حاکمان قبلی به دلیل نارضایتی از حقوق مردم ، به پایان غم انگیزی رسیده اند. آنها فاسد شدند و قابل خریداری بودند ، سپس در معرض وسوسه گناهان و رذایل قرار گرفتند ، که آنها را گمراه کرد ، و آنها به دنبال ستمکاران رفتند.

(نامه ۷۹)

توزیع وجوه (خیریه) از خزانه عمومی:

وای بر کسی که فقرا ، مستمندان ، متکدیان و کسانی که از حق خود محروم شده اند در برابر او شکایت می کنند.

(نامه ۲۶)

حقوق یک دوست:

حقوق دوست خود را زیر پا نگذارید، زیرا وقتی او از حقوق خود محروم شود، دیگر دوست شما نخواهد ماند.

(نامه ۳۱)

مهربانی، تواضع، رفتار صحیح با خویشاوندان

مقدمه: هدف غایی تمام خوبی‌ها خوشنودی خداوند و نزدیک شدن به او بدون انتظار و چشم داشتی است. همانگونه که امام علی در ادامه اشاره می‌فرمایند، هر حرکتی که در جهت خوشنودی خلق خدا و نه خدا باشد، در نزد خدا پذیرفته نیست و در آخرت بهره‌ای ندارد. انسان متکبر به خدا نزدیک نخواهد شد. در قرآن بر مهربانی و شفقت تاکید شده است. حضرات محمد(ص) این امر را آموخته بودند که خداوند در قرآن می‌فرماید که او بهترین اسوه برای پیروی و بهترین نمونه‌ی اخلاق است. امام علی ما را به یاد بخشش خداوند، محتاط بودن در برابر دشمن، تشویق پیروان در مراقبت از نیاز اشخاص می‌اندازد و نیز یادآوری این نکته که نخستین شخص مغرور شیطان بود.

به راستی هدایای الهی از آسمان به زمین همانند قطرات باران برای هرفردی همانگونه که تقدیر است فرود می‌آیند، خواه فراوانی و فراخ باشد و خواه نقصان باشد. بنابراین، اگر دوست شما دارای ثروت فراوان و یا فرزند است، هرگز حسادت نکنید. یک فرد با ایمان به گونه‌ای رفتار نمی‌کند که موجب خجالت او شود.

فرد با ایمان که به درستی زندگی کند، یکی از این دو را در زندگی خواهد دید: زندگی سخاوتمندانه در این دنیا و یا پاداشی در زندگی جاوید. فرزند و ثروت از جمله آراستگی‌های این دنیا هستند در حالیکه اعمال با فضیلت برای آمرزش زندگی جاوید هستند. و خدا می‌تواند هر دوی این فضایل را دریافت نماید.

نسبت به آنچه خداوند به شما هشدار داده آگاه باشید و نسبت به خداوند آگاه باشید که پس از این نیاز به عذرخواهی نخواهید داشت. هرگز خودنما و متظاهر نباشید، چرا که اگر شخصی به جز خدا را بستایید مورد پذیرش خداوند نخواهد بود.

از خداوند خواستار جایگاهی همچون شهیدان و همنشینی پیامبران و پرهیزکاران در زندگی آخرت شدیم

ای مردم! یقیناً کسی نمیتواند بدون کمک خویشاوندان کاری را خواه فیزیکی و خواه فکری به خوبی انجام دهد. خویشاوندان همگی برای حمایت هر شخص آماده هستند که هنگام سختی ها او را حمایت کرده و مهربانی نثار او میکنند. خاطره ی خوبی که انسانی خداشناس از خود به جا میگذارد بهتر است از ثروتی که به جا میگذارد.

هوشیار باشید! اگر شخصی از نزدیکان شما دچار تنگدستی و نیاز شد، مبادا در کمک کردن به او خودداری نمایید. اگر شما دست کمک به فرد محتاج را بسته نگاه دارید، به هنگام احتیاج خویش نیز دیگران دست کمک از شما دریغ می دارند.

کسی که در کمک به خویشاوندان مهربان است، عشق بی پایان آنها را نثار خویش خواهد نمود. (فراز ۲۳)

سکوت مایه ی احترام و شوکت است؛ رفتار عادلانه مایه ی افزایش دوستان است. خیرخواهی و کمک به دیگران مایه ی عزت است. حسن نیت نشانه ی خیرخواهی است. خدمت به بشریت مایه ی راهبری است. کلمات و سخنان درست مایه ی غلبه بر دشمنان است.

خداوند شفقت را اجبار نکرده است:

اگر خدوند اراده میکرد میتوانست آدم را به گونه ای از نور بیافریند که درخشش او چشم ها را خیره نماید، زیبایی او عقل ها را مدهوش کند و عطر او نفس ها را در سینه

حبس نماید. اگر او چنین میکرد، تمام موجودات سر تعظیم در برابر فروتنی او فرود می‌آوردند و محاکمه‌ی شیطان و سایر فرشتگان بسیار آسان می‌شد. (خطبه‌ی ۱۹۱)

صبوری و اصالت در شخصیت:

تقوا و پاکدامنی فرد صابر یکی از والاترین ارزش‌های انسانی، اصالت شخصیت، و بهترین شیوه‌ی رفتاری است که فردی میتواند برگزیند. (نامه‌ی ۳۱)

آداب ادب:

اصالت شخصیت خود را رفتار مودبانه نشان میدهد. (نقل از حضرت علی)

نصیحت حضرت علی در مورد سخاوت و رفتار خوب:

شما نیز باید عادات قابل تحسین را ستایش نمایید، همچون کمک به همسایگان، وفای بعهد، اهل فضل بودن، مخالفت با متکبر و سخاوتمند بودن با همگان. (خطبه‌ی ۱۹۱)

کسی که به آخرت ایمان دارد، سخاوتمند است.

نصیحت حضرت علی به یکی از فرمانداران: با افرادی معاشرت نمایید که متعلق به خانواده‌هایی متدین و نجیب و با سنت‌های والا هستند؛ خانواده‌هایی مشهور به شجاعت، شهامت و سخاوت و بزرگی. (نامه‌ی ۵۳)

حق، پرهیز، و ویژگی‌های یک مومن

مقدمه: اعتدال در هر جنبه از زندگی در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. آن را هم حضرت محمد (ص) تمرین و تبلیغ کردند. تجمل و زهد دلسرد می‌شود. از طرف دیگر، حتی پرستش بیش از حد که منجر به نادیده گرفتن وظایف دنیوی فرد شود، توصیه نمی‌شود. پیگیری آرزوهای بیهوده ضعف انسانی و سلاحی قدرتمند شیطان، برای اغوا و گمراهی است. در بخشهای بعدی، امام علی به مردم هشدار می‌دهد که برای جلوگیری از دام شیطان، بر خدا متمرکز باشند.

درباره مهار خواسته ها:

ای مردم! پرهیز به معنای کوتاه کردن آرزوها ، سپاسگزاری از خداوند برای نعمت هایش و دور نگه داشتن خویش از چیزهای ممنوعه است. اجازه ندهید که پرهیز از موارد ممنوعه صبر (و رفتار) شما را ازتغییر بدهد. خدا با استفاده از مثالهای روشن و درخشان کتابهای آشکار خود (قرآن ، تورات و انجیل) ، استدلالهای خود را برای شما به پایان رسانده است.

(خطبه ۸۰)

ویژگی های یک مومن:

ای مخلوقات خدا! محبوب ترین خدا کسی است که خداوند او را بر احساساتش مسلط کرده است. چراغ هدایت در قلب او روشن می شود. او آنچه را دیگران از نظر دور (مرگ و قیامت) می دانند ، فی الواقع نزدیک می داند. او (خدا) را بسیار به یاد می آورد و در راه او تلاش می کند. او رویکرد متعادلی به زندگی دارد. او خواسته های (بیهوده و بیش از حد) را کنار گذاشته و از گمراهی و احساسات در امان است. او کلید درهای هدایت است و درهای بسته را می گشاید.

وی قابل اعتمادترین و محکم ترین پشتیبانی ها را داشته است. اعتقاد او به خدا مانند روشنایی خورشید است. او خود را وقف بندگی خداوند سبحان کرده است. او در تاریکی مانند چراغ (هدایت) است. هر کاری که انجام داده به خاطر خدا بوده است ، بنابراین خدا او را محبوب خود قرار داده است. او مانند معدن ایمان (و اعتقاد) است. او به خود امر کرده است که با عدالت عمل کند.

اولین قدم عدالت برای او رد خواسته های قلب است. او آنچه که درست است را توصیف می کند و طبق آن عمل می کند. قرآن (در همه امور) راهنمای اوست.

(خطبه ۸۶)

کسانی که در مسیر درست قدم می‌گذارند در اقلیت هستند:

ای مردم ، از تعداد اندکی از افراد پیرو راه درست تعجب نکنید. ای مردم ، شما بر اساس انتخاب خود برای معاشرت با خیر یا شر(نزد خدا) گروه بندی شده اید. (ماجرای قوم ثمود را در کتاب مقدس بازگو کنید ؛) فقط یک نفر شتر (مقدس) را کشت (در یک اقدام شورشی) ، اما خداوند همه ساکنان را مسئول دانست و آنها را مجازات کرد ، زیرا همه آنها به شر او رضایت دادند و با این عمل، آنها همراه با سرزمین خود ، نابود شدند. ای مردم ، آن که راه روشن (هدایت) را پیمود ، به چشمه آب (خنک) می‌رسد و هر که راه راست را رها کند ، مانند مسافر تشنه ای است که در بیابانی که آب ندارد گم می‌شود.

(خطبه ۲۰۰)

مشاوره او:

بنابراین ، انسان باید عزت را با اتخاذ خصوصیات زیر تأمین کند: او باید قبل از فرارسیدن روز قیامت از آن بترسد. او باید درک کند که زندگی زمینی کوتاه است و مکانی برای اقامت موقت است. خوشا به حال کسی که دارای قلبی با فضیلت باشد ، که مطیع رهبر (صالح) و راهنما باشد و از کسی که او را گمراه می‌کند جدا شود. بنابراین ، او مسیر ایمنی (و فضیلت) را طی می‌کند. وی با اطاعت از رهبر ، قبل از بسته شدن درها به سوی هدایت می‌شتابد و در توبه و بخشش را باز می‌کند ، و از این طریق (لکه گناه) گناه را از بین می‌برد.

(خطبه ۲۱۳)

جزئیات

مقدمه: واژه عربی پرهیز "تقوا" است. این کلمه در واقع یک کلمه جامع است که دارای بسیاری معانی مختلف است ، از جمله پرهیزکاری ، خداشناسی ، ترس از خدا ،

احترام به خدا ، خداپسندی و ترس از قطع ارتباط با خدا. در قرآن ، کلمه تقوا بیش از دویست بار در موقعیت های مختلف به کار رفته است. همه پیامبران (ص) خدا تقوا را در بالاترین شکل خود انجام می دادند. آنها پیروان خود را به تقوا آموختند و راهنمایی کردند. تقوا ، و نه ثروت و قدرت ، انسان را به خدا نزدیک می کند.

خصوصیات یک فرد متدین:

پندها (از جانب خداوند) فقط در مورد افرادی با قلب پاک ، گوش شنوا ، اعتقاد راسخ و ذهن روشن است. کسی که آگاه به خدا باشد (به توصیه های خوب) گوش می دهد ، (فروتنانه) آن را می پذیرد؛ هنگامی که مرتکب گناه شده اید اگر آن را بپذیرید هنگام ترس (نتیجه گناه) ، باعث می شود که او تقصیر خود را اصلاح کند. هنگامی که دلهره (در مورد آخرت) دارد ، (به کارهای خوب) تعجیل می کند؛ و او از روی اعتقاد راسخ اعمال ناپسند را انجام می دهد. هنگام هشدار ، او توجه می کند؛ هنگامی که از او خواسته شود (از شر) پرهیز کند ، این عمل را انجام می دهد. او به ندای (خدا) پاسخ می دهد و (به سوی او) جلب می شود؛ هنگام افتادن (در بدی) ، توبه می کند؛ و ، هنگامی که به او (راه درست) نشان داده شد ، آن را برمیگزیند.

چنین مردی در جستجوی حقیقت مشغول بود و (از شر) خلاص شد. او با آگاهی از عزیمت خود از این دنیا (مرگ) ، روزی (کارهای خوب) را جمع کرد ، باطن خود را تطهیر کرد و برای دنیای بعدی نیز روزی جمع کرد. سفر خود (به دنیای بعدی) و وسایلی را که در آنجا به آن احتیاج دارد ، در کانون توجه قرار داد. او (محل زندگی) اقامت (دائمی) خود (در آخرت) را پیش از خود فرستاد. ای مخلوقات خدا ، خدا را آگاه باشید و دلیلی را که او شما را آفریده است ، از نظر دور نگه ندارید. خود را مستحق آنچه وعده داده (نعمتها) قرار دهید. به وعده های او اعتماد داشته باشید و از روز قیامت بترسید.

(خطبه ۸۲)

پرهیزکاری:

ای مخلوقات خدا، من به شما توصیه می‌کنم که نسبت به خدایی که نمونه‌هایی آورده است (برای راهنمایی شما) آگاه باشید. او پوششی برای پوشاندن خود فراهم کرده و رزق و روزی فراوان برای شما فراهم کرده است. او شما را با نشانه‌های خود محاصره کرده است (تا او را بشناسید). او نعمتهای عظیم و هدایای گسترده‌ای به شما ارزانی داشته است. او با استدلال‌های قانع‌کننده‌ای (علیه عدم اطاعت از او) به شما هشدار داده است. او برای شما یک عمر در این مکان آزمایشات (دنیا) ثابت کرده است. شما در این دنیا آزمایش شده‌اید و (در روز قیامت) حساب خواهید داد.

(خطبه ۸۲)

ای مخلوقات خدا! من به شما توصیه می‌کنم که خدا را آگاه باشید. این روزی است که با آن (به دنیای بعدی) باز خواهید گشت. این ماده به شما کمک می‌کند تا به دنیای بعدی سفر کرده و با موفقیت به مقصد برسید.

ای مخلوقات خدا! مطمئناً، آگاهی از خدا، مردم خدا دوست را از اقدامات غیرقانونی نجات می‌دهد. آنها شبهای خود را در بیداری (در نماز) می‌گذرانند و در طول روز، تشنگی را تحمل می‌کنند (مثلاً از روزه گرفتن به خاطر خدا). آنها از طریق تحمل سختی به راحتی و آسایش (در آخرت) می‌رسند و از طریق تشنگی به اشباع (معنوی) می‌رسند. آنها مرگ را نزدیک می‌دانند و بنابراین در انجام کارهای خوب شتاب می‌کنند. آنها (خواسته‌های افسارگسیخته و ناپسند) را کنترل می‌کنند و مرگ را در چشم خود نگه می‌دارند.

جهان (زندگی) جهان پر از درد و رنج، تغییر ثروت و درسهای (تلخ) است. این افراد زنده را به مرگ مبتلا می‌کند، افراد سالم را با بیماری و کسی را که در آسایش است با پریشانی و مصیبت همراه می‌کند.

نمونه ای از مصیبت ها:

شما مردی را می بینید که (ثروتی) را جمع می کند که ممکن است (به طور کامل) از آن استفاده نکند و در آن ساختمانهایی را بنا می کند که در آن زندگی نمی کند. سپس او (این دنیا) را به دیدار پروردگار خود ترک می کند ، اما بدون اینکه مال و املاک و مستغلات را با خود ببرد ، از دنیا می رود

نمونه ای از تغییر ثروت:

شما یک انسان حقیر را می بینید که حسود می شود و یک مرد حسود که با از دست دادن ثروت خود و ضربه خوردن به او از نابودی و بدبختی حقیر می شود

در مورد دروس (تلخ) آن:

یک مرد نزدیک است به خواسته های خود (گرامی داشت) برسد ، و سپس (ناگهان) مرگ رخ می دهد؛ بنابراین ، نه آرزو حاصل می شود و نه سالک است. سبحان الله ، لذتهای دنیا چقدر فریبنده است ، عطش لذتهای دنیوی چقدر سیری ناپذیر است و سایه آن چقدر آفتابی (گرم) است. رویکرد (مرگ) را نمی توان برگرداند ، و کسی که عزیمت می کند هرگز بر نمی گردد. سبحان الله ، مرگ چقدر ممکن است به کسی نزدیک باشد ، چشمگیر باشد (وقتی حداقل انتظار نمی رود) ، و مردگان چقدر دور هستند (به مکانی بدون بازگشت منتقل می شوند).

هیچ چیز به جز مجازات آن (برای افراد غیر قابل توبه) وحشتناک تر از شر نیست ، و جز پاداش آن ، هیچ چیز از حسن لذت بیشتری ندارد. شما باید بدانید که اندکی (که از طریق روش های صادقانه بدست آمده است) در دنیای بعدی پاداش زیادی دریافت می کند و آنچه در این دنیا بسیار زیاد است (غیر صادقانه بدست می آید) هیچ پاداشی نخواهد داشت. در بسیاری از موارد ، سود کم است ، در حالی که ضرر زیاد است.

خداوند امرار معاش شما را تضمین کرده و به شما امر کرده است که (به حق) رفتار کنید. بنابراین، پیگیری آنچه (قبلاً) برای شما تضمین شده است نباید بیش از آنچه به شما سفارش شده است (تعهدات) ارجحیت داشته باشد.

بنابراین، به سوی اعمال (خوب) بشتابید، تلاش کنید که تقوا داشته باشید و خود را برای مرگ آماده کنید (که ممکن است بدون اعلامیه به شما نزدیک شود).

الحمدلله خداوندی که حمد و یاد خود را وسیله ای برای افزایش نعمت های خود قرار داده است.

ای مخلوقات خدا! زمان سرانجام با زندگانی به همان روشی که با کسانی که از دنیا رفته اند برخورد می کند. زمان گذشته بازیابی نخواهد شد و هر آنچه که نگه دارید برای همیشه باقی نخواهد ماند. کسی که مشغول کار دیگری غیر از اصلاح خود باشد، رو بسوی نابودی است. طبیعت پایه او را عمیقاً در رذایل فرو می برد و کارهای بد او را خوب جلوه می دهد. بهشت مقصد کسانی است که پیش رو هستند (در کارهای خوب) و جهنم محل زندگی کسانی است که مرتکب گناهان (کبیره) می شوند (و بی توبه می میرند).

ای مخلوقات خدا، بدانید که تقوا خانه ای محکم است که از آن محافظت می کند، در حالی که بی تقوایی خانه ای ضعیف است، که از قوم خود که در آن پناه می گیرند محافظت نمی کند.

ای مخلوقات خدا، او راه صدق را به شما نشان داده و راههای آن را روشن ساخته است. بنابراین، (ممکن است) یا بدبختی (پیگیری باطل) یا سعادت ابدی راستگویان را انتخاب کنید. برای زندگی اخروی آماده شوید. مراقب کسی باشید که برای دنیای بعدی خلق شده است. او چه ارتباطی با این دنیا دارد؟ در حالی که فقط اثرات سو آن

(احتکار غیرقانونی) را به همراه دارد ، شخصی با ثروتی که به زودی پشت سر خواهد گذاشت ، چه خواهد کرد؟

ای مخلوقات خدا! از خوبیهایی که خداوند به شما وعده داده است غافل نشوید و در بدی که از شما خواسته خودداری کنید ، طمع نکنید. ای مخلوقات خدا! خدا را آگاه باشید و از روزی که اقدامات شما مورد قضاوت قرار می گیرد ، بترسید.

ای مخلوقات خدا! "خود" شما (روح یا ضمیر) مانند نگهبانی است که مراقب شماست. اندامهای شما حافظان مراقبت هستند که اعمال شما را حفظ می کنند ، و تعداد نفس های شما را (حتی ثبت می کنند). تاریکی شب تاریک نه می تواند اعمال شما را از آنها پنهان کند و نه حتی می توانید پشت درهای بسته نیز پنهان شوید. مطمئناً فردا (روز حساب) نزدیک است.

حال با تمام آنچه که در آن قرار دارد دور خواهد شد و آینده در پی آن خواهد آمد. همه با مرگ روبرو می شوند و در همان مکان ، قبر ، تنها قرار می گیرند. سپس (پرده های) باطل از روی شما برداشته می شود و بهانه های شما در آن زمان هیچ نتیجه ای نخواهد داشت. حقیقت آشکار خواهد شد. همه موارد مربوط به شما پاداش (خوب یا بد) آنها را کسب می کند. بنابراین ، مشاوره خوبی بگیرید ، از مثالها بیاموزید ، و به هشدارها توجه کنید.

(خطبه ۱۵۶)

یک حساب از مردم گذشته و یادگیری از زندگی آنها:

ای مخلوقات خدا ، به شما توصیه می کنم که به خدا احترام ورزید (تقوا پیشه کنید) ، او لباس خوبی به شما داد و به شما رزق فراوان بخشید. اگر کسی (در تاریخ) وجود داشت که بتواند نردبانی (برای صعود به آسمان) را به زندگی ابدی یا راهی برای جلوگیری از مرگ محکم کند ، این سلیمان ، پسر داوود بود. وی به همراه اعطای نبوت

و مقام شرافتمندانه بر سرزمین جن و انس تحت کنترل قرار گرفت ، اما وقتی آنچه را که باید در غذا (پایان زندگی این جهان) به پایان می رساند تمام کرد و زمان (ثابت) خود را به پایان رساند ، کمان نابودی او را با تیر مرگ شلیک کرد و خانه هایش خالی شد. سرانجام گروه دیگری از مردم آنها را به ارث بردند. قطعاً قرن های گذشته برای شما عبرت دارد.

فراعنه کجا هستند؟ کجایند کسانی که با ارتش پیشروی کردند ، دشمنان خود را شکست دادند ، نیروهایی را بسیج کردند و شهرها را آباد کردند؟

(خطبه ۱۸۱)

اهمیت خداپسند بودن:

بنابراین ، باید تلاش کنید که خدا را آگاه باشید ، زیرا این یک طناب است که محکم است ، ارتفاع آن بلند است و غیر قابل تخریب است. قبل از نزدیک شدن به مرگ آماده باشید ، زیرا بدون شک حساب در روز قیامت انجام می شود.

"این یک هشدار برای کسی است که دارای قوه ی ادراک است ، و یک درس برای کسی است که دارای جهل است."

(قرآن ۷۳:۳۹)

آنها از مجازات در امان هستند. محل سکونت آنها آرام خواهد بود و از اسکان خود راضی خواهند بود. آنها مردمی هستند که اعمالشان در این دنیا عقیف بود ، چشمهایشان اشک آور بود ، شبهایشان در این دنیا به دلیل ترس و استغفار مانند روزها بود و روزهایشان به دلیل احساس تنهایی و جدایی (از پروردگارشان) مانند شبها بود. بنابراین ، خداوند بهشت را به عنوان پاداش و محل بازگشت (نهایی) آنها قرار داد.

در آزمایشات صبور باشید؛ در مسائلی که خداوند عجله نکرده است عجله نکنید. هرکسی از شما که در رختخواب خود بمیرد در حالی که از حقوق خدا ، حقوق

پیامبرش و اعضای خانه پیامبر (ص) آگاهی دارد ، او به عنوان شهید خواهد مرد. پادشاه او به عهده خداوند است و مستحق پادشاه آنچه که اعمال خوبی را در نظر داشته است ، خواهد بود.

(خطبه ۱۸۹)

توصیه ای برای تمرین خداآگاهی و احتیاط در برابر عشق به این دنیا:

ای مخلوق خدا به تو نصیحت می کنم که خداشناسی داشته باشی ، زیرا این حق خدا بر تو است و حق تو را بر خدا ایجاد می کند و در (دستیابی به آن) و آگاهی از خدا در جستجوی تقرب با خدا تو را یاری می کنند. مطمئناً ، آگاهی از خدا یک محافظ و سپر است و برای فردا (روز قیامت) ، راهی به بهشت است. این راهی روشن است و هرکسی که روی آن قدم بگذارد موفق می شود. چه بسا کسانی که در این مسیر قدم بگذارند و عدالت را پیشه کنند ، اندک خواهند بود! تعداد آنها بسیار کم خواهد بود و آنها افرادی هستند که خداوند متعال در کتاب مقدس به شرح زیر به آنها اشاره کرده است:

"و تعداد کمی از موجودات من سپاسگزار هستند!"

(قرآن ۳۴:۱۳)

بنابراین ، به سوی آن (تقوا) شتاب کنید و برای رسیدن به آن بکوشید. خواب خود (از غفلت) را با بیداری (از روی مراقب) مبادله کنید. آن را (تقوا) زینت قلب خود قرار دهید ، گناهان خود را با آن پاک کنید و بیماری های (معنوی) خود را با آن شفا دهید. از او (بدبخت) که آن را نادیده گرفت ، عبرت بگیرید. مراقب باشید ، شما باید آگاه بوده و باید از طریق آن از خود مراقبت کنید.

او را فرومایه (از نظر ظاهری) که ممکن است خداوند به او مقام والایی (معنوی) داده باشد ، ملاحظه نکنید و او را (در مقام معنوی) والا ندانید ، فقط به این دلیل که این جهان به او مقام والایی بخشیده است. چشم خود را به چیزهای درخشان دنیا نیندازید ، به سخنان او که در مورد آنها لاف می زند و شما را به سمت آنها صدا می کند گوش ندهید. زرق و برق آن فریبکارانه است ، وعده های آن دروغ است ، و ثروتش به فنا می رود.

مراقب باشید ، این جهان ابتدا (فردی) را به خود جلب می کند و سپس فرو می پاشد. دروغ می گوید و از شما سو استفاده می کند. تکذیب می کند و ناشکر است. بدخواه است و (دوستداران خود) را رها می کند. جلب می کند اما در دسر ایجاد می کند. شرایط آن همیشه در حال تغییر است ، قدم های آن متزلزل است ، افتخار آن در واقع ننگ است ، جدی بودن آن شوخی است و قدر آن را فرومایگی است. محل غارت و ویرانی است. درباره عاشقان جهان ، غیر خدا ، این کتاب می گوید:

"پس بر آنها آسمانها و زمین گریه کنند ، و به آنها احترام نگذاشتند."

(قرآن ۲۹:۴۴)

(خطبه ۱۹۰)

آگاهی از خدا کلید دریافت هدایت ، تأمین دنیای بعدی ، آزادی از هر نوع بردگی و رهایی از ویرانی است. با کمک آن ، سالک امیدوار است که به موفقیت (رستگاری) دست یابد.

کارهای خوب انجام دهید در حالی که انتظار بازگشت زیاد است ، در حالی که توبه می تواند سودمند باشد ، در حالی که دعاها شنیده می شود و در حالی که شرایط آرام است. به سرعت نسبت به اعمال (نیکوکارانه) قبل از پیری عجله کنید (شما را ضعیف می کند) ، بیماری ناتوان است ، یا مرگ شما را تسخیر می کند. مطمئناً مرگ به

خوشحالی ها و لذت های شما پایان می دهد و باعث تحقق اهداف (دنیوی) شما می شود. مطمئناً این یک بازدید کننده ناخوشایند است ، اما یک دشمن شکست ناپذیر است که گویی ناگهان به سراغ شما آمده است.

بنابراین این شما هستید که می توانید لوازم زندگی آخرت را بدست آورید. بگذارید زندگی این دنیا شما را فریب دهد ، همانطور که پیشینیان را فریب داده است. قبرهای آنها محل زندگی آنها شد و ثروت آنها به دیگران منتقل شد. آنها نمی دانستند که چه کسی از آنها (قبور آنها) بازدید کرده است و حتی نمی توانند کسانی را که بر سر آنها گریه می کنند بشنوند. بنابراین مواظب این دنیا باشید که خیانتکار ، فریبکار و غیرصادق است. لذت های آن موقتی است و آثار ناشی از مصیبت های آن پایدار است.

(خطبه ۲۲۸)

توصیف وی از یک شخص وارسته:

خداپسندان اهل تمایز هستند. گفتار آنها به حد مطلوب است ، لباس آنها ملایم و راه رفتن آنها فروتنانه است. آنها چشمان خود را به آنچه خداوند برای آنها حرام دانسته بسته نگه می دارند و گوشهای خود را با دانش مفید آنها تنظیم می کنند. در زمان آزمایش ، آنها آرام هستند. عظمت خالق در قلب آنها است و هر چیز دیگری برای آنها بی اهمیت به نظر می رسد. از نظر آنها ، بهشت و لذت هایش گویی در حال تجسم آنها هستند. از نظر آنها ، رنج ها و مجازات های جهنم به گونه ای است که گویی واقعاً شاهد آنها هستند.

قلب آنها غمگین است (از دیدن رنج های اطراف خود) ، از خود در برابر شر محافظت می کنند ، بدن آنها لاغر است (به دلیل روزه گرفتن و کمتر غذا خوردن) ، نیازهای آنها اندک و روح آنها پاک است. آنها (سختی این زندگی) را برای مدت

کوتهای تحمل می کنند ، و در عوض ، سعادت ماندگار (آخرت) را بدست می آورند. این معامله مفیدی است و خداوند آن را در دسترس آنها قرار داده است. دنیا سعی کرد آنها را مجذوب خود کند ، اما آنها پاسخی به آن ندادند. دام را برای آنها قرار داد ، اما آنها از آن اجتناب کردند.

در طول شب ها ، آنها کتاب مقدس (قرآن) را تلاوت می کنند ، و از طریق تلاوت آن به دنبال تصفیه معنوی (تعالی بخش) هستند. وقتی با آیه ای در توصیف بهشت روبرو می شوند ، جذب آن می شوند و آن را در تصورات خود تجسم می کنند. وقتی با آیه ای روبرو می شوند که حاوی توصیفی از جهنم است ، احساس می کنند که صدای جهنم به گوش آنها می رسد. آنها سجده می کنند و برای نجات خود به خداوند متعال التماس می کنند. آنها لاغر و ضعیف به نظر می رسند (به دلیل روزه داری و عادت های غذایی سخت گیرانه).

آنها کارهای خوب خود را نادیده می گیرند. آنها سریع تقصیر را قبول می کنند. وقتی کسی آنها را ستایش می کند ، با خود می گویند ، "من خودم را بهتر از دیگران می شناسم ، و پروردگارم من را بهتر از من می شناسد." آنها سپس دعا می کنند: "خدایا ، طبق آنچه آنها می گویند با من رفتار نکن ، مرا از آنچه در مورد من فکر می کنند بهتر کن و مرا (از کمبودهای من) ببخش که آنها نمی دانند."

ویژگی متقی این است که او در دین قدرت دارد ، در کنار نرمی دارای استحکام است ، ایمان با اعتقاد راسخ ، اشتیاق به (جستجوی) دانش ، اعتدال در ثروت ، فداکاری در عبادت ، لطف در محرومیت ، تحمل در سختی ، آرزو برای حلال ، و متنفر بودن از حرص و آز. او کارهای نیکوکارانه انجام می دهد اما همچنان احساس ترس می کند (به دلیل عدم انجام کار کافی). او صبح و عصر خدا را شکر و ستایش می کند. خنک بودن چشم او در موهبت هایی است که جاودانه است (در آخرت) ، و نسبت به مسایل معنوی ارجح هستند.

امیدها و آرزوهای دنیوی او بسیار اندک و ساده ، روحیه اش راضی ، وعده های غذایی او کوچک و ساده ، دینش ایمن و خشم او سرکوب شده است. از او فقط خوبی انتظار می رود. شر از او بسیار دور است. او را که به او ستم می کند می بخشد و به او که او را محروم می کند می بخشد. با کسی که رفتار بدی دارد، به خوبی رفتار می کند.

او نرم زبان است؛ گفتار ناشایست با او فاصله زیادی دارد. گناهان او وجود ندارد و فضایل او بسیار زیاد است. برخورد او در هنگام مصیبت ها با وقار است. او در زمان پریشانی صبور است و در هنگام آسودگی شکرگزار (از خدا) است. او با مردم حتی اگر از آنها بدش بیاید ، عادلانه برخورد می کند و به خاطر عزیزانش مرتکب گناه نمی شود. او حتی قبل از ارائه مدارکی علیه او ، حقیقت را اعتراف می کند. او از آنچه در حضانتش است دریغ نمی کند و تعهد خود را فراموش نمی کند. او به دیگران نام بد نمی گذارد و به همسایه خود آسیب نمی رساند. او از بدبختیهای دیگران احساس خوشبختی نمی کند. او از آنچه اشتباه است دوری می کند و به آنچه درست است پایبند است.

اگر به او ظلم شود ، او تحمل می کند و اجازه می دهد تا خدا از جانب او انتقام بگیرد. مردم از او احساس امنیت می کنند. او به خاطر زندگی آخرت در این زندگی سختی ها را تحمل می کند. دوری او از دیگران از طریق زهد و تطهیر است و قرب او با کسانی که نزدیک است از طریق مهربانی است. دور نگه داشتن او از مردم به دلیل پوچی یا احساس برتری نیست ، و نه نزدیکی او با آنها فقط برای نمایش است.

(خطبه ۱۹۲)

فواید برای آگاهی از خدا:

یک انسان آگاه از خدا مشکلات را از خود دور می کند. دشواریها برای او آسان می شود ، رزق و روزی بیشتر می شود ، لطف خدا سر می رسد و برکت مانند باران فرو

می ریزد. بنابراین خدا را آگاه باشید. خدا نصیحت خوبی به شما می کند. او رسول خود را برای هدایت شما فرستاد ، و به شما لطف می کند. بنابراین ، منحصرأ خود را وقف خدا کنید.

(خطبه ۱۹۷)

افرادی که نه با کالا و نه با هیچ چیزی از یاد خدا دور نمی شوند:

مطمئنأ ، خداوند سبحان و متعال ، ذکر خود را نوری برای قلب ها قرار داده است. با کمک این نور ، مردم خداپسند بصیرت پیدا می کنند ، که آنها را به تسلیم اراده الهی راهنمایی می کند.

در زمان هایی که هیچ پیامبری در میان مردم نبود ، افراد خداپسند (مقدسینی) بودند که خداوند به وسیله آنها افراد خود را راهنمایی می کرد. آنها به هرکسی که راه صالح را در پیش گرفتند بشارت می دهند ، اما هرکس راه نادرستی را در پیش بگیرد ، او را از نابودی بر حذر می دارند. به این ترتیب ، آنها به عنوان چراغ (هدایت) در میان تاریکی های جهل خدمت می کردند.

افرادی هستند که به ذکر (خدا) اختصاص داده شده اند و آن را به جای مسائل دنیوی ترجیح داده اند. تجارت آنها را از یاد خدا دور نمی کند.

خواهید دید که آنها چشمه های هدایت هستند. فرشتگان به دور آنها می چرخند ، پیامهای صلح (از آسمان) بر آنها نازل خواهد شد ، و آنها بسیار افتخار خواهند کرد زیرا خداوند خدمات آنها را ارج نهاد. آنها با فروتنی او را طلب می کنند و از او طلب آمرزش و درخواست نعمت می کنند. خدا با بخشش فقیر نمی شود و کسانی را که تلاش می کنند به او نزدیک شوند ناامید نمی کند.

(خطبه ۲۲۰)

